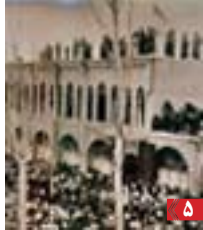


دیدار  
هیأت  
حزب ...



رئیس  
جمهور  
کردستان



منکران  
ستم ملی،  
عصای...



"هدف ما"  
به مناسبت  
شصت ...



مدارس  
ایران در  
مصر ...



تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

# کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

شماره ۵۹۷، شنبه، ۳۰ دی ۱۳۹۱، ۱۹ ژانویه ۲۰۱۳، ۱۵۰ تومان

## خجسته باد شصت و هفتمین سالگرد تأسیس جمهوری کردستان

شصت و هفتمین سالگرد تأسیس جمهوری امیدها و آرزوهای ملت کرد، جمهوری پرافتخار و دستاورد کردستان را به تمامی خوانندگان روزنامه‌ی کردستان شادباش می‌گوییم. "کوردستان" امیدوار است که یک بار دیگر در زیر پرچم چنین حکومت دمکراتیکی روزنامه و نشریات خود را چاپ و منتشر نماید. با امید به تحقق آمل و خواسته‌های ملت کرد در کردستان ایران، در سایه‌ی حکومتی دمکراتیک و فدرال.

www.kurdistanmedia.com

# مسأله کرد در دوحه مطرح شد

کردستان ایران تلاش کرده که مسأله‌ی کرد در کردستان ایران از راه سیاسی حل و فصل شود، ولی رژیم جمهوری اسلامی با خشونت و کشتار و ترور، پاسخ جنبش دمکراتیک ملت کرد را داده است.

احمدی در پاسخ به نماینده‌ی یک مرکز تحقیقاتی رژیم ایران، که در این پانل شرکت کرده بود، گفت حزب دمکرات کردستان ایران نزدیک به ۷۰ سال است برای تحقق حقوق و خواسته‌های ملت کرد مبارزه نموده و بر خواسته‌ی خود که همان سرنوشتی رژیم ایران است، پافشاری کرده و به این دلیل که نماینده‌ی خواسته‌های برحق ملت



لتمان احمدی نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در خارج از کشور، در کنفرانس "مسأله‌ی کرد در چهار بخش کردستان" در دوحه پایتخت قطر شرکت کرد.

این کنفرانس طی روزهای ۲۴ و ۲۵ دی‌ماه ۱۳۹۱، از سوی مرکز تحقیقات الجزایر و مرکز تحقیقات استراتژیک عراق برگزار شد.

در روز اول این کنفرانس در دو پانل مجزا، بر سر مسأله‌ی کرد در عراق و سوریه و سیر تحولات و خواسته‌های ملت کرد در این کشورها مباحثی عنوان شد.

در روز دوم نیز در دو پانل مجزا، در مورد مسأله‌ی کردهای ترکیه و ایران بحث و گفتگو شد. در این پانل‌ها، روشنفکران، محققین، روزنامه‌نگاران، سیاستمداران کرد و شخصیت‌های کرد و ترک

نمود و گفت: "حزب دمکرات کردستان ایران در نخستین انتخابات مجلس ایران ۶۰ تا ۸۰ درصد آرای مردم کردستان ایران را کسب کرد، ولی رژیم جدید به جای این که اجازه دهد نمایندگان حزب دمکرات در مجلس حضور داشته باشند، جنگی غیرانسانی را علیه ملت کرد آغاز کرد." احمدی در ادامه‌ی سخنانش افزود: حزب دمکرات

ایرانی در بحث‌ها مشارکت کرده و نظرات و دیدگاه‌های خود را در مورد حل مسأله‌ی کرد در این دو کشور ابراز کردند.

در پانل مختص به مسأله‌ی کرد در ایران لتمان احمدی، به نمایندگی از حزب دمکرات کردستان ایران، در آغاز در مورد تاریخ ملت کرد و حزب دمکرات کردستان سخنانی ایراد

## سلفن

ناهد حسین

## گلی که در یخبندان روید

دوم بهمن در راه است و کردستان به استقبال گرامیداشت سالروز تأسیس جمهوری کوتاه مدت و گرافقدر خود می‌رود. جمهوری که از مرزهای شهر و کشور و اقلیم خود گذشت و تبدیل به امید و سبیل عظمت و خواست آزادیخواهی ملت کرد گشت. وسعت و شکوه آیینهای بزرگداشت سالروز تأسیس جمهوری کردستان، نشان دهنده احترام وافر و نمایانگر اوج عشق و علاقه ملت کرد به بنیانگذاران و رهبران آن جمهوری است. تأسیس جمهوری کردستان، ضمن اینکه اراده ملت کرد را در حاکمیت بر سرنوشت خویش اثبات نمود، بیانگر روش نوینی از حاکمیت در خاورمیانه نیز بود که نه تنها تا آن زمان وجود نداشت، بلکه امروزه نیز در میان کشورهای منطقه که بعضی از آنها خود را وارثان تمدنهای چند هزارساله نیز می‌دانند، مانند آن را نمی‌توان دید.

بزرگترین شاخصه جمهوری کردستان، نبود فاصله میان مردم و رهبران آن بود. از رئیس جمهور و وزیران گرفته تا مسئولین رده بالا و فرماندهان ارتش و بازرگانان و ثروتمندان و مستمندان، در تمام سرزمینی که تحت حاکمیت جمهوری کردستان بود، هیچ کسی وجود نداشت که خود را پشت دیوارهای تنیده شده از سیمهای خاردار مخفی نماید و یا مانعی برای رفت و آمد مردم عادی نزد خود ایجاد نماید و قاضی محمد و رهبران و بزرگان جمهوری نیز، کوچکترین فاصله‌ای میان خود و مردم قائل نشدند.

در کنار این رابطه تنگاتنگ میان مردم و حاکمیت و در واقع یکی بودن آنها، اتحاد میان صفوف مجریان و دولتمردان جمهوری نمونه بارز همصدایی و اراده مشترک ملتی بود که در اقلیمی محدود و با امکاناتی کم توانست یکی از بزرگترین افتخارات تاریخ را برای ملت خود رقم بزند. اتحادی که نسلهای امروزی می‌توانند و باید که از آن درس بگیرند و با الهام گرفتن از روح بزرگ و اتحاد طلب پیشوا قازی محمد، راه پرافتخار ایشان را چراغ راه مبارزات امروزیان نمایند.

احترام و عشقی که آن زمان و اکنون نیز جمهوری کردستان و رهبرانش، در قلب آحاد مردم کردستان داشته و دارند، به دلیل دو شاخصه ارزشمندی است که بدانها اشاره شد.

آیینهای بزرگداشت دوم بهمن ماه و فروغ مشعل فروزان مبارزات ملت کرد برای آزادی همواره نشان داده است که گلی که در یخبندان قبل از بهار رستاخیز ملت کرد روید، با تندباد و طوفان استبداد پرپر نشده و اکنون نیز با گردباد سخیف تحجر و دیکتاتوری از قلب ملت کرد جدا نمی‌شود. خجسته باد دوم بهمن ماه، روز عاشقان آزادی.

## گزینه نظامی

## علیه رژیم جدی است

خود در صورت اقدام احتمالی نظامی علیه ایران قرار داده و این بدان معنی است که آمریکا، طرح‌هایی مفصل درباره حمله احتمالی به ایران تهیه کرده اند.

سخنان سناتور شومر در این خصوص، روشن ترین بازتاب دهنده سیاستهای آمریکا در چهار سال آینده درباره ایران خواهد بود، به ویژه آن که او درباره نامزدی چاک هیگل به سمت وزارت دفاع آمریکا به دلیل مواضع پیشین او در خصوص اعمال تحریم یکجانبه علیه ایران، ابراز تردید کرده بود. این بار شومر، که برجسته ترین عضو یهودی مجلس سنای آمریکاست، اعلام کرد که با نامزدی چاک هیگل برای بست وزارت دفاع موافق است و افزود که هیگل با مذاکره میان واشینگتن و دو گروه حماس و حزب الله هم مخالف است و به اوپاما پیشنهاد خواهد کرد در صورت ادامه مخالفت‌های ترکیه با اسرائیل، آمریکا از مشارکت در مانورهای ناتو امتناع کند.

نامزد وزارت دفاع آمریکا می‌گوید، همه گزینه‌ها از جمله، حمله نظامی علیه ایران مطرح است.

چاک شومر، عضو مجلس سنای آمریکا اعلام کرد که به مدت یک ساعت و نیم با هیگل، نامزد وزارت دفاع، گفتگو کرده و در این دیدار هیگل تأکید کرده که "هر اقدام لازم را برای مقابله با دستیابی ایران به سلاح اتمی، از جمله استفاده از گزینه نظامی، به کار خواهد بست."

این تصریح از سوی دولت اوپاما درباره استفاده از توان نظامی علیه ایران بسیار نادر و کم سابقه است. با وجود این که چنین سخنی از زبان رئیس جمهوری یا سخنگوی او جاری نشده است، اما کارشناسان بر این باورند که می‌توان آن را دورنمای سیاستهای آمریکا در قبال ایران در چهار سال آینده دانست.

در بیانیه شومر آمده است که وزارت دفاع آمریکا، نامزد وزارت دفاع را در جریان طرح‌های

## عفو بین الملل

## به ماشین اعدام ایران هشدار داد

مطلع شده که اجرای احکام اعدام سه زندانی - زانیار مرادی، لتمان مرادی و یونس آقایان - شاید حتمی باشد. [عفو بین الملل] از مقامات ایران می‌خواهد که اجرای اعدام آنها را متوقف سازد و احکام اعدام آنان را ملغی کند."

عفو بین الملل همچنین نگرانی عمیق خود را نسبت به "شکنجه این سه زندانی به منظور گرفتن اعتراف" اعلام کرد و تذکر داد که روند محاکمه آنها ناعادلانه بوده است.

در ادامه این بیانیه آمده است: "جایی که انسان‌ها با مجازات حد اکثری اعدام مواجه می‌شوند، برگزاری دادگاه‌هایی که با معیارهای منصفانه بین المللی محاکمات سازگار باشد، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند."

عفو بین الملل در نهایت از حکومت ایران خواسته است بدون هیچ شرطی کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز را تصویب کند.

عفو بین الملل روند برگزاری دادگاه زانیار و لتمان مرادی و یونس آقایان را ناعادلانه خواند. سازمان عفو بین الملل با صدور بیانیه‌ای در روز پنجشنبه، ۲۷ دیماه، نسبت به اجرای احکام اعدام زانیار مرادی، لتمان مرادی و یونس آقایان هشدار داد و از مقامات ایران خواست این احکام را ملغی کنند.

زانیار مرادی و لتمان مرادی از کردهای ایران هستند که به اتهام قتل پسر امام جمعه میروان و عضویت در یکی از احزاب کردستانی مخالف رژیم په مرگ محکوم شده‌اند.

یونس آقایان نیز به اقلیت مذهبی «اهل حق» تعلق دارد که چند سال قبل توسط ماموران امنیتی بازداشت و به اتهام محاربه به اعدام محکوم گردید.

در بیانیه عفو بین الملل که در وبسایت این سازمان منتشر شده آمده است: "عفو بین الملل به وسیله گزارش‌هایی که به تازگی انتشار یافته



## دیدار هیأت حزب دمکرات با هیأتی از رفقای سابق



روز پنجشنبه، ۲۸ دیماه ۱۳۹۱ هیأتی از رفقای سابق از دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران دیدار نمود و مورد استقبال هیأتی از اعضای رهبری به سرپرستی مصطفی هجری، دبیرکل حزب قرار گرفت.

طرفین در ادامه مباحث نشستهای پیشین، به بحث پیرامون اوضاع خاورمیانه، مسائل مربوط به جنبش حق طلبانه ملت کرد، مبارزات و تلاشهای ملت کرد در جهت تأمین حقوق سیاسی و ملی خود در هرکدام از بخشهای کردستان با در نظر گرفتن اوضاع سیاسی موجود پرداختند.

در این نشست، استمرار مبارزه آزادیخواهانه مردم سوریه و ملت کرد در آن کشور به منظور سرنگونی رژیم بشار اسد و حزب بعث سوریه، مورد بحث قرار گرفت و طرفین بر این باور بودند که پس از سرنگونی رژیم اسد اوضاع سیاسی کردها، به سوی بهبود می رود و ملت کرد با حذف موانع موجود بر سر راه مبارزه خویش، به حقوق سیاسی و ملی خود در چهارچوب نظام جدید سوریه خواهد رسید.

در رابطه با مسأله کرد و گفتگوی رهبری جنبش ملت کرد در کردستان ترکیه با حکومت آن کشور مسائلی مورد بحث قرار گرفت و این فرآیند به عنوان راه حل مثبت مسأله کرد در این

کشور قلمداد شد و هر دو طرف بر این باور بودند که با بهره جستن از شرایط سیاسی کنونی، حکومت ترکیه می تواند برداشتن گامهای لازم برای حل این مسأله را شتاب بیشتری ببخشد و توطئه مخالفان آشتی را عقیم سازد.

در ادامه، اوضاع آشفته عراق، مناقشات گروههای سیاسی و مذهبی عرب در این کشور، مسائل حل نشده کردها، مانند ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق و مسأله اختلاف حکومت کردستان بر سر مناطق کردستانی خارج از اقلیم با حکومت مرکزی مورد بحث قرار گرفت و در این رابطه، سیاست و مواضع رهبری اقلیم کردستان و اتخاذ سیاست گفتگو با دولت عراق، سیاستی واقعبینانه قلمداد شد و دو طرف بر این باور بودند که این سیاست، موقعیت اقلیم کردستان را تحکیم خواهد بخشید.

بحث مهم دیگر این نشست، تجزیه و تحلیل اوضاع سیاسی ایران و کردستان ایران و بحرانهای سیاسی بود که رژیم جمهوری اسلامی در نتیجه سیاست سرکوب، قلع و قمع مخالفان و خلفهای ستمدیده ایران و پافشاری بر غنی سازی اورانیوم و سیاست حمایت از تروریسم و رژیمهای دیکتاتوری مثل رژیم بعث سوریه بدان دچار شده و سبب انزوای رژیم در سطح داخلی

و خارجی گشته و همچنین فشارهای اقتصادی بر رژیم از سوی مجامع بین المللی آن را از لحاظ اقتصادی ناتوان کرده است.

همچنین در این نشست از جریانها و رویدادهای سیاسی و خیزشهای عمومی در برابر رژیمهای دیکتاتور که در حال رشد و نمو است، بحث به میان آمد.

دو طرف در این مسأله نیز اشتراک نظر داشتند که وظیفه احزاب و جریانهای سیاسی ایران و کردستان ایران آن است که اهمیت بیشتری به گفتگو با هدف همکاری پیرامون نقاط مشترک در برابر رژیم بدهند و با گفتگویی مشترک، سیاستهای رژیم را افشا نمایند و در مجامع مختلف حضور یابند، به ویژه انتظاراتی که آحاد مردم کردستان و خلفهای آزادخواه ایران از مبارزان حزب دمکرات دارند، از سیاستی پیروی کنند که امکان همکاری و هماهنگی نیروهای سیاسی ایران را در پی داشته باشد و بر این سیاست تأکید شد.

نشست مزبور در فضایی دوستانه به پایان رسید و بر ادامه نشستها و بحث و بررسی پیرامون مسائل مهم مورد علاقه دو طرف در آینده تأکید شد.

## دویست و پنجمین دوره مقدماتی پیشمرگ حدکا پایان یافت



در سالن آموزشگاه سیاسی - نظامی کمیسیون آموزش برگزار شد. این مراسم با اجرای سرود ملی "ای رقیب" از سوی شرکت کنندگان دوره ۲۰۵ مقدماتی آغاز شد.

سپس دکتر میرو علیار، عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران، پیامی را به این مناسبت ایراد کرد.

مراسم پایان دوره ۲۰۵ مقدماتی آموزش سیاسی - نظامی کمیسیون آموزش حزب دمکرات کردستان ایران برگزار شد.

به گزارش کوردستان میدیا، در مورخه هجدهم دیماه ۱۳۹۱، مراسم پایان دوره مقدماتی پیشمرگ با شرکت دکتر میرو علیار، عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات و شماری از اعضای رهبری حزب، کادرها و پیشمرگان

آقای علیار در این پیام اشاره کرد: "رژیم جمهوری اسلامی طی ۳۳ سال اخیر با تمام توان و امکانات تلاش کرده که جوانان کرد را از سیاست دور نموده و احساس و غرور ملی را در آنها ضعیف و جوانان را نسبت به سرنوشت ملی بی توجه و بدون احساس مسئولیت تربیت کند تا در مبارزات آزادیخواهانه ملتشان مشارکت نداشته باشند. اما تاکنون در این راه موفق نشده است.

وی در ادامه افزود: به حق می توان گفت که پیشمرگ بازوی قدرتمند و مدافع کرامت ملت و دفاع از موجودیت و دستاوردهای ملت است.

در بخش دیگری از این مراسم، سرودی تحت عنوان "من پیشمرگه ی کوردستانم" از سوی اعضای دوره ۲۰۵ اجرا گردید، سپس گزارش آموزشی دوره ۲۰۵ مقدماتی پیشمرگه توسط "بداع بداعی" یکی از مربیان آموزشگاه قرائت شد.

پس از قرائت قطعه شعری توسط "دانیال ساعدی" شرکت کننده دوره، پیام دوره ۲۰۵ مقدماتی از سوی "سلیمان احمدی" قرائت شد. در بخش دیگری از این مراسم به برترینهای دوره جوایزی اهداء شد.

در خلال این مراسم، چندین قطعه موسیقی کردی توسط هنرمندان "غلام فاتحی" و "احمد محمد رش" اجرا شد.

پایان بخش مراسم پایان دوره ۲۰۵ مقدماتی پیشمرگ، اجرای رژه نظامی، توسط شرکت کنندگان دوره بود.

## بیانیه دفتر سیاسی حدکا در خصوص ترور سه فعال سیاسی کرد

خانواده و بستگان این قربانیان شریک دانسته و امیدوار است که وزارت کشور و دستگاه های ذیربط پلیس فرانسه همان طور که اعلام کرده اند، عاملان این ترور را شناسایی و تسلیم دادگاه کنند و به افکار عمومی جهانیان معرفی نمایند.

حزب دمکرات کردستان ایران  
دفتر سیاسی  
۲۲ دیماه ۱۳۹۱ خورشیدی  
۱۱ ژانویه ۲۰۱۳ میلادی

بر اساس خبرهایی که از پاریس منتشر شده، در مورخه چهارشنبه شب، بیستم دیماه ۱۳۹۱ برابر با نهم ژانویه ۲۰۱۳ میلادی، سه فعال زن کرد به نامهای سسکین جانسیز، فیدان دوغان و لیلا سولماز اهل کردستان ترکیه که دارای سابقه فعالیت سیاسی و مبارزاتی بوده اند، در شهر پاریس هدف گلوله قرار گرفته و ترور شدند و جسد قربانیان این ترور شامگاه روز پنجشنبه بیست و یکم دیماه کشف گردید.

دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران، ضمن محکوم کردن این اقدام تروریستی نسبت به این رویداد ابراز تأسف کرده و خود را در اندوه

## دیدار دو هیأت حدکا و سازمان خبات کردستان ایران

گرفتند. در این دیدار، محمد صاحبی، مباحثی را در مورد تحولات منطقه، ایران و کردستان و همچنین ضرورت همکاری نیروهای سیاسی ایران و کردستان در این مقطع زمانی مطرح کرد. در ادامه، بهروز اردلان بحثهایی را در مورد وضعیت ایران و نقش نیروهای کردستانی در آینده ایران و چگونگی همکاری چند جانبه نیروهای ایزدیسویز ارائه کرد. در پایان این نشست هر دو طرف در مورد استمرار این دیدارها تأکید کردند.

هیأتی از سازمان خبات کردستان ایران، از دفتر نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در شهر سلیمانیه دیدار کرد.

به گزارش وسایت کوردستان میدیا، در مورخه بیست و یکم دیماه ۱۳۹۱، هیأتی از سازمان خبات کردستان ایران به سرپرستی "بهروز اردلان" از دفتر نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در شهر سلیمانیه دیدار و از سوی هیأت نمایندگی حزب به سرپرستی محمد صاحبی، عضو کمیته مرکزی و مسئول دفتر نمایندگی حزب در این شهر مورد استقبال قرار

## گرامیداشت یاد جمهوری کردستان در قلاذی



و بتوین توسط رحیم رسولی قرائت گردید. پس از آن نیز پیام اتحادیه ی زنان و جوانان کردستان ایران توسط قاسم فرهودی خوانده شد.

احزاب و سازمانهای زیر نیز با ارسال پیامهایی به این مراسم، یاد جمهوری کردستان را گرامی داشتند:

- اتحادیه میهنی کردستان، کمیته ی قلاذی
- حسن عبدالله، فرماندار قلاذی
- اتحاد اسلامی کردستان، شاخه ی پشدر
- حزب شیوعی کردستان، شاخه ی پشدر
- ریاست شهرداری پشدر
- عشایر میروادلی و نورالدینی
- اتحادیه ی میهنی کردستان، تشکیلات ۱۷ راپرین

- بانک قلاذی
- حزب کارگران و رنجبران، کمیته ی تشکیلات پشدر
- عشیره ی مامش
- اتحادیه ی میهنی کردستان، منطقه ی ۲۴ راپرین کمیته تشکیلات قلاذی
- اتحادیه میهنی کردستان، کمیته ۱۳ تشکیلات ژاراه
- عشیره نورالدینی اتحادیه دهقانان
- حزب زحمتکش کردستان، شعبه ی قلاذی

در فواصل برنامه ها نیز قطعات زیبایی از شعر، موسیقی و ترانه های کردی به اجرا در آمد.

شصت و هفتمین سالیاد تأسیس جمهوری کردستان در شهر "قلاذی" اقلیم کردستان گرامی داشته شد.

به گزارش کوردستان میدیا، روز جمعه ۲۹ دیماه ۱۳۹۱، به مناسبت دوم بهمن ماه، شصت و هفتمین سالگرد تأسیس جمهوری کردستان، در شهر "قلاذی" اقلیم کردستان، مراسمی با حضور تیمور مصطفایی، عضو دفتر سیاسی و جمعی از اعضا و هواداران حزب دمکرات کردستان ایران برگزار شد.

مراسم با اجرای سرود ملی "ای رقیب" و یک دقیقه سکوت به احترام شهدای راه آزادی کردستان آغاز گردید.

سپس تیمور مصطفایی، عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات با ایراد سخنانی بدین مناسبت، اظهار داشت: دستاوردهای جمهوری کردستان را بایستی با در نظر گرفتن شرایط آن زمان کردستان، ایران و منطقه خاورمیانه مورد ارزیابی قرار داد و با توجه به اوضاع مرتبط با جنگ جهانی دوم، به بررسی موقعیت زمانی و مکانی این جمهوری پرداخت.

آقای مصطفایی در ادامه ی سخنان خود افزود: ویژگی های جمهوری کردستان سبب گردیده است که اینک ملت کرد در هر چهار بخش کردستان به آن مباحث کند و جنبش کرد از این جمهوری الهام بگیرد.

در بخش دیگری از مراسم، پیام مشترک کمیته ی حزب دمکرات در شهرهای کویه، پشدر



## ۱۶ واحد صنعتی استان کردستان در آستانه‌ی تعطیلی قرار دارند

صنعتی و تولیدی بحران زده وجود دارد که به بهانه‌های مختلف نظیر بحران اقتصادی و کمبود بودجه، حقوق کارگران را به تعویق می‌اندازند. کارگران در ایران و به ویژه در کردستان، امنیت کار ندارند و اهمیت ندادن به این بخش از عسل بروز بحران اقتصادی در واحدهای تولیدی در این استان است.

بیشتر کارخانه‌های صنعتی و کارگاه‌های تولیدی به علت کمبود نقدینگی، نوسانات نرخ ارز و عدم حمایت جدی تعطیل شده‌اند. مسئولان رژیم در حالی خبر از استخدام بیست هزار نفر در استان کردستان می‌دهند که دبیر اجرایی خانه کارگر گفته است: بسیاری از کارخانجات صنعتی و تولیدی تعطیل شده‌اند. در حال حاضر در استان کردستان ۱۶ واحد

## سازمان KWG

## خواستار توقف اجرای حکم اعدام زانیار و لقمان مرادی شد

دادستان استان کردستان جهت اجرای حکم اعدام لقمان و زانیار مرادی، به زندان گوهردشت شهر کرج رفته است. سازمان "کردستان بدون ژینوساید" در اعلامیه‌ای که نسخه‌ای از آن به وبسایت کردستان میدیا رسیده، گفته است: "امام جمعه شهر میوان جهت اجرای حکم اعدام لقمان و زانیار مرادی، دو زندانی کرد، به تهران سفر کرده است و این در حالی است که پیشتر امام جمعه شهر میوان در سخنانی در نماز جمعه این شهر گفته بود، که لقمان و زانیار قاتلان فرزند او نیستند". در ادامه این اطلاعیه آمده است: در حال حاضر ۲۱ فعال سیاسی و مدنی کرد در زندانهای رژیم ایران منتظر اجرای حکم اعدام هستند که اسامی آنان عبارتند از: حبیب‌الله لطفی، شیرکو معارفی، رستم ارکیا، فرهاد چالش، رمضان احمد،



## نرخ برنج در بازارهای کردستان سه برابر افزایش یافت

کلیه استانهای ایران می‌باشد ولی برای اولین بار این افزایش در این استان نمود پیدا کرد. مردم ایران به محصول برنج به عنوان غذای اصلی در سبب غذایی شان نیاز دارند و با پایان سال و نزدیک شدن به سال نو، نیاز به این ماده غذایی بیشتر از گذشته گریبانگیر شهروندان خواهد شد.

خبرگزاری مهر گزارش داد، در استان کردستان علیرغم افزایش نرخ برنج، شهروندان زمانهای طولانی را در صف این ماده غذایی به سر می‌برند.

افزایش چشمگیر نرخ دلار در برابر ریال، عدم برنامه ریزی اقتصادی درست و اساسی و تحریم‌های بین‌المللی کشورهای اروپایی و آمریکا بر بخشهای مختلف اقتصاد ایران، سبب افزایش ۳ برابری نرخ برنج در بازارهای استان کردستان شده است.

افزایش نرخ برنج، مردم استان کردستان را با مشکل مواجه کرده و شهروندان به ناچار مدت‌های طولانی را در صفهای برنج سپری می‌کنند. کمبود برنج در بازارهای استان کردستان و نیاز مردم به این ماده غذایی سبب شده که نرخ هر کیسه برنج در بازار ۵۰ هزار تومان به فروش برسد. نزدیک به یک ماه است که قیمت برنج روبه افزایش و علیرغم ادعای مسئولان نسبت به کاهش نرخ برنج، نرخ این ماده غذایی روز به روز در حال گران شدن است.

در اوایل آذرماه نرخ یک کیسه برنج ۱۰ کیلویی در بازارهای استان کردستان بین ۱۹ تا ۲۳ هزار تومان بود، اما هم‌اکنون هر کیسه برنج ۱۰ کیلویی به قیمت بیشتر از ۵۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. جانشین اتاق بازرگانی سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کردستان اعلام کرد، مشکل کمبود برنج تنها مربوط به کردستان نبوده و شامل

انور رستمی، سید سامی حسینی، سید جمال محمدی، مصطفی سلیمی، رشید آخ‌کندی، حبیب‌الله گلیری پور، سمکو خورشیدی، سیروان نژادی، ابراهیم عیسی پور، رزگار افشاری، علی افشاری، هوشنگ رضایی، رضا اسماعیلی، بهروز آخانی و بختیار معماری. سازمان "کردستان بدون ژینوساید" اعلام کرده است: از کلیه سازمانهای حقوق بشری و احزاب و جریانهای سیاسی و انسانیهای بشر دوست خواستاریم مانع اجرای این حکم شده و اعتراض خود را نسبت به آن ابراز دارند. لقمان و زانیار مرادی در مورخه بیست و پنجم مهرماه ۱۳۹۱ در شهر میوان بازداشت و تحت شدیدترین بازجوییها بعد از نه ماه نگهداری در سلول انفرادی، به اتهام "محاربه"، به اعدام محکوم شدند.

## علت ترور سه فعال زن کرد در هاله‌ای از ابهام



توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان در قدرت بوده، تلاشهای چندانی برای بهبود حقوق کردها انجام نداده است و اخیراً گفتگوهای با عبدالله اوچالان، رهبر زندانی پ.ک.ک داشته تا این گروه را به خلع سلاح ترغیب کند. دولت اردوغان با اعتراف به مشکلی به نام مشکل کردها، و همچنین استفاده از زبان کردی در مراکز آموزش خصوصی آزاد و دولتی، تلویزیون ۲۴ ساعته به زبان کردی و اختیاری شدن آموزش زبان کردی در مدارس ترکیه از جمله گامهای دولت ترکیه برای حل مشکلات کردها در کردستان ترکیه بوده ولی کردها بر این باورند که این اقدامات جنبه اجرایی و عملی نداشته است.

ترکیه و عبدالله اوچالان رهبر حزب کارگران کردستان دانسته اند. در همین رابطه رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه گفته است: "ما به مبارزه علیه تروریسم در ترکیه پایبند هستیم". چهارشنبه شب مورخه بیستم دی ماه ۱۳۹۱ برابر با نهم ژانویه ۲۰۱۳ میلادی، سه فعال زن کرد به نامهای سلکین جانسنیز، فیدان دوغان، لیلیا سولماز، اهل کردستان ترکیه که دارای سابقه فعالیت سیاسی و مبارزاتی بوده‌اند در شهر پاریس هدف گلوله قرار گرفته و ترور شدند. سکینه جانسنیز از بنیانگذاران حزب کارگران کردستان "PKK" بوده است. در طول ده سال گذشته که حزب عدالت و

برخی از کارشناسان معتقدند که جمهوری اسلامی ایران یا دولت سوریه در ترور سه فعال زن کرد در پاریس نقش داشته‌اند. به گزارش رادیو فرانسه، برخی از کارشناسان ترک با اشاره به دشمنی رژیم ایران و فشار اسد با دولت ترکیه و همچنین کردها، گفته‌اند که احتمال دارد رژیم ایران یا فشار اسد در این ترورها دست داشته باشند. امره اوسلو، یکی از اعضای سابق پلیس ضد تروریسم ترکیه در این زمینه گفته است: صلح میان دولت ترکیه و کردها، رژیمهایی مثل ایران و سوریه را آشفته خواهد کرد. دولت ترکیه نیز، انگیزه قتل سه زن فعال کرد در پاریس را منحرف کردن گفتگو میان دولت

## یک معلم کرد در شهر اشنویه بازداشت شد

به گزارش آژانس خبری مکریان، این شهروند بعد از مدتی بازداشت از اداره اطلاعات اشنویه به اداره اطلاعات ارومیه منتقل شده است. اداره اطلاعات رژیم در اشنویه، اتهام آزاد رسول نژاد را امنیتی عنوان کرده است. چند روز پیش نیز شماری از اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان از سوی دستگاه قضایی احضار شده‌اند.

یک معلم کرد از سوی نیروهای امنیتی رژیم ایران در شهر اشنویه بازداشت شد. آزاد رسول نژاد، معلم و دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه مراغه، چند روز پیش از سوی حراست اداره آموزش و پرورش اشنویه احضار و پس از مراجعه به این اداره بازداشت و به اداره اطلاعات این شهر منتقل شد.

## بازداشت ۵ شهروند کرد در شهرهای روانسر و میوان

محمدامین، ۲۵ ساله، اهل روستای "زردویی" و ساکن شهر کرمانشاه از سوی نیروهای اطلاعاتی رژیم ایران بازداشت شدند. به گزارش همان منبع خبری، یک هفته پیش این نیروها به منزل "آرام بهرامی" یورش برده و ضمن بازداشت وی، کامپیوتر و کتابهای نامبرده را توقیف کرده‌اند.

"سفلائی پایین" را بازداشت کردند. فتاح و صلاح پژوهی (پدر و فرزند) و دو تن دیگر از سوی نیروهای رژیم پس از شلیک هوایی، بدون هیچ اتهام مشخصی بازداشت و ماشین فتاح پژوهی توقیف شده است. از دیگر سو در شهر روانسر در استان کرمانشاه، یک شهروند کرد به نام "آرام بهرامی" فرزند

نیروهای اطلاعاتی رژیم ایران، ۴ شهروند را در شهر میوان و یک شهروند دیگر را در شهر روانسر بازداشت کردند. به گزارش آژانس خبرساز کردپا، در مورخه بیست و ششم دیماه نیروهای اطلاعاتی با همکاری نیروهای انتظامی رژیم در پاسگاه روستای "برده رشه" در میوان، چهار شهروند ساکن روستای

## ایران از خاک عراق جهت ارسال تجهیزات نظامی به سوریه استفاده می‌کند

و سوریه به نیروهای فشار اسد رسیده است. رژیم ایران با همه توان در تلاش است رژیم سوریه را حفظ کند و برای رسیدن به این اهداف تلاشهای زیادی نظیر فرستادن تجهیزات نظامی، افراد متخصص نظامی و همچنین پرورش نظامیان، بکار گرفته است. براساس آمارهای سازمان ملل متحد، در ۲۱ ماه گذشته و از آغاز انقلاب مردم سوریه تاکنون، بیشتر از ۶۰ هزار نفر کشته شده‌اند.

علیرغم تصویب قطعنامه‌های بین‌المللی، رژیم ایران به صورت غیرقانونی و از طریق خاک عراق، کمکهای نظامی خود را به رژیم سوریه ارسال کرده است. بنسبه گزارش روزنامه محلی "باس" اقلیم کردستان عراق، در مورخه پانزدهم دیماه ۱۳۹۱، رژیم ایران از طریق خاک عراق، ۵۰ کامیون تجهیزات نظامی برای رژیم سوریه فرستاده است. این تجهیزات از راه "ربیع" در بین مرز ایران

## شماری از فعالان سیاسی و خانواده‌هایشان خواستار لغو حکم اعدام زانیار و لقمان مرادی شدند

رنجنامه گفته بودند که ما خواهان ادامه زندگی هستیم و اعلام کرده بودند که در زندان رژیم و تحت شکنجه به این اتهام تن داده و تمام اتهامات وارده را رد می‌کنند. خبر تایید حکم اعدام این دو زندانی سیاسی کرد مدتی پیش به صورت شفاهی به خودشان ابلاغ نشده، ولی خانواده و وکیل آنان از حکم صادره مطلع نبوده‌اند.

سال ۱۳۸۸ به اتهام قتل فرزند امام جمعه شهر میوان از سوی نیروهای امنیتی رژیم بازداشت شدند. این دو جوان کرد دی ماه سال ۱۳۸۹ از سوی قاضی "صلواتی" در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به اتهام "محاربه" به اعدام محکوم شدند. پیشتر نیز لقمان و زانیار مرادی در یک

شماری از سازمانهای مردمی و زندانیان سیاسی، خواستار لغو حکم اعدام دو شهروند کرد شده و گفته‌اند که این اعدامها در کردستان مردم را دچار رعب و وحشت خواهد کرد. در همین رابطه کمیون حقوق بشر اعلام کرد: زانیار و لقمان مرادی (پسر عمو) مورخه هفدهم دیماه به مکان نامعلومی منتقل شده‌اند. زانیار و لقمان مرادی در مورخه پنجم مهرماه

## ۲۰ ایرانی دیگر در سوریه دستگیر شدند

قرار دارند، با بازداشتشدگان سوری در زندانهای رژیم فشار اسد شد. تا لحظه انتشار این خبر از اسامی این دستگیرشدگان اطلاعی در دست نیست.

"بسام جعاره" سخنگوی انقلاب سوریه در اروپا روز بیست و هشتم دیماه، از دستگیری ۲۰ ایرانی دیگر توسط ارتش آزاد سوریه خبر داد. به گزارش العربیه، "بسام جعاره" خواستار مبادله این ۲۰ تن که در دست ارتش آزاد سوریه



فاتح صالحی

بخش پایانی

# نقش رسانه در فرایند سیاستگذاری

## "ارتباط سیاسی در رسانه‌ها"

رسانه‌های عمومی در جریان ارتباط سیاسی، در اختیار دولت‌ها و دیگر ارتباط‌گران سیاسی قرار دارند و به میانجیگری اصلی میان سیاستمداران و توده‌های مردم تبدیل می‌شوند. رسانه‌های عمومی آحاد مردم را تحریک می‌کنند تا افکار جدید و مدرن را بپذیرند. وظیفه‌ی دشوار رسانه‌های عمومی این است که ساختار سیاسی قدرتمند و مستحکم را بنیاد نهند که در آن ساختار، محیط اجتماعی همگون و مجموعه ارزشهایی به وجود بیاید و در نهایت گسترش توسعه‌ی ملی سرعت پیدا کند. دو وظیفه‌ی مختلف برای رسانه‌های عمومی در این زمینه عبارتند از:

- ۱- متحد کردن همه‌ی مردم کشور
- ۲- ترغیب به مشارکت مردم در طرح‌های توسعه‌ی ملی.

رسانه‌های عمومی ملی همان گونه که در حفظ همبستگی و اتحاد ملی و ایجاد مشارکت سیاسی در جامعه، نقشی تعیین‌کننده دارند و تأمین‌کننده‌ی اهداف نظام سیاسی هستند، می‌توانند وسیله‌ای باشند در اختیار مخالفان و منتقدان نظام سیاسی و نظام سیاسی را ناچار کنند که مطالباتشان را بپذیرد یا حتی آن را سرنگون کنند.

ارتباط‌گران سیاسی تلاش می‌کنند تا از طریق رسانه‌ها، بعضی از رویدادها را به افکار عمومی منتقل نمایند و با این کار بر تصمیم‌گیری‌های دولتی تأثیرگذار باشند. کارکردهای ارتباطات سیاسی برخی از کارکردهای مهم ارتباط عبارتند از:

- ۱- ایجاد نظم در جامعه.
- ۲- تأمین اطلاعات در زمینه‌ی قوانین زندگی سیاسی و عرضه‌ی آن به مردم.
- ۳- تأثیرگذاری ارتباطات سیاسی، با استفاده از وسایل مختلف ارتباطی و تکنیک‌های گوناگون بر مخاطبان، در جهت همسو کردن آنها با برنامه‌ها و افکار خود، جذب افکار عمومی مردم، تحکیم موقعیت و توسعه‌ی نیروی خود.
- ۴- ایجاد همبستگی ملی و گفتگو در میان مردم، روشنفکران و حکومت.
- ۵- جامعه‌پذیری سیاسی.
- ۶- مشخص نمودن عوامل رفتار مردم، در حمایت از نظام سیاسی و به همان شکل خواسته‌ها و مطالبات مردم و چگونگی پاسخگویی حکومت به آنها.
- ۷- شکل‌گیری آن گروه‌های سیاسی که در تلاش هستند بر سیاست‌گذاری‌های نظام تأثیرگذار باشند.
- ۸- ایجاد مشارکت سیاسی.
- ۹- بنیان نهادن ارتباطات سیاسی بین‌المللی در جهت نفوذ و نظارت بر رفتار مردم کشورهای دیگر.

ارتباطات سیاسی و سنجش افکار عمومی سنجش افکار عمومی یکی از تحولات فن‌شناسی است که ماهیت ارتباطات سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در انواع مختلف این ارتباط از آن استفاده می‌شود. سنجش افکار عمومی به شکلی رایج وسیله‌ای است برای پیشرفت پژوهش‌های اجتماعی و هدایت نگرش‌های عمومی یا عاملی است برای ترویج عقاید و افکار احزاب سیاسی در جامعه. آگاهان بر این باورند، سنجش افکار عمومی، هرگاه در خدمت تبلیغ سیاسی باشد، ظرفیت و توان دولتها، احزاب سیاسی و گروه‌های فشار برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی را افزایش می‌دهد. نقش و وظیفه‌ی رسانه‌ها در ارتباطات

سیاسی

رسانه‌ها پیل ارتباطی اصلی میان سیاستمداران و آحاد مردم هستند. بسیاری از صاحب‌نظران وسایل ارتباط جمعی نیرومند را پیش شرط نوگرایی و توسعه‌ی ملی قلمداد می‌کنند. رسانه‌های عمومی یاری‌دهنده‌ی ظهور رهبران جدیدی هستند که مسأله‌ساز هستند و از لحاظ ایدئولوژیک می‌توانند بر جامعه‌ی خود تأثیرگذار باشند. یکی از وظایف رسانه‌ها این است که واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی را به درستی منتقل نمایند.

ایفای نقش وجدان عمومی نیازمند این است که رسانه‌ها بتوانند کلیت نظام سیاسی را نقد کنند، چرا که انتقاد سازنده با تصحیح اشتباهات و اجرای درست عملی سازنده است. نقش رسانه‌ها هدایت و تأثیرگذاری

آمده است. به همین جهت افرادی که علاقمند به حوزه‌های سیاسی و فرهنگی آینده هستند، باید از نقش مهم حوزه‌های عمومی جدید مطلع و در این حوزه‌ها فعال باشند.

سودمند بودن و اهمیت دموکراسی ارتباطی - الکترونیکی می‌تواند در قالب جدید حوزه‌های عمومی و فضای ارتباطی - الکترونیکی نشان داده شود. چنین فضایی بسیار اشتراکی‌تر از فضای تلویزیون و همچنین صنایع فرهنگی رسانه‌ای است. با این تفاسیر چنین به نظر می‌رسد که یکی از مهمترین کانونها و قلمروهای تکنولوژی جدید ارتباطی به‌ویژه اینترنت، قلمرو ارتباطات سیاسی و به خصوص انتخابات و مبارزه‌ی مدنی است. اینترنت با دارا بودن ویژگی‌هایی مانند تعاملی بودن، گسترده بودن و عدم محدودیت زمانی و مکانی، مهمترین و

توانمندسازی شهروندان می‌شود.

- ۲- استراتژیهای ارتباطی فعالان سیاسی را گسترش می‌دهد.
- حزبها، گروهها و نامزدهای انتخاباتی با کمترین هزینه می‌توانند رویکردهای خود را به افکار عمومی منتقل نمایند و به عبارتی، صاحب یک تریبون جهانی شوند. همچنین ارتباط فعالان با مردم مستقیم است و ناظران و گزینشگرانی که در رسانه‌هایی مثل رادیو و تلویزیون وجود دارند، در اینترنت وجود خارجی ندارند. بدین ترتیب اخبار و اطلاعات با تحریف و دستکاری کمتری به شهروندان می‌رسند.
- ۳- فرایند بسیج سیاسی را آسان می‌کند

اینترنت امکانات لازم را برای افراد و گروه‌هایی که منافع مشترک دارند، مهیا می‌کند تا با گذر از موانع سیاسی و جغرافیایی،

می‌شود و مردم به حاشیه می‌روند. اما اینترنت این وضع را تغییر می‌دهد و این امکان را فراهم می‌سازد که مردم و طرفداران در برابر آنچه رهبران احزاب و گروه‌ها انجام می‌دهند، اطلاعات بیشتری بدست آورده و سوای اظهار نظر و مخالفت، نخبگان سیاسی را ناچار به پاسخگویی نمایند. خلاصه اینکه، اینترنت قدرت را در میان نخبگان و مردم تقسیم می‌کند و کمک می‌کند تا قدرت در مرکز جمع نشود.

۵- هزینه‌ی ارتباطات سیاسی را کاهش می‌دهد

به شکلی سنتی، عرصه‌ی مشارکت و فعالیت در زمینه‌ی سیاسی و مشارکت سیاسی به سبب وجود موانع زمانی، مکانی و مالی محدود بود. با ورود اینترنت، هزینه‌های ورود به حوزه‌های عمومی کاهش پیدا کرد و مبادله‌ی ایده‌ها سریعتر شد و هزینه‌ی کمتری پیدا کرد. به عبارتی دیگر، احزاب و فعالان سیاسی از طریق اینترنت با کمترین هزینه می‌توانند با مردم ارتباط برقرار کنند. به این ترتیب اینترنت سطح مشارکت سیاسی در جامعه را افزایش می‌دهد و حتی هزینه‌ها و ریسک‌های آن را کاهش می‌دهد.

۶- سطح ارتباط و تبادل در میان افراد را افزایش می‌دهد

اینترنت با افزایش سطح ارتباط و مبادلات سیاسی، باعث شکل‌گیری نوعی فعالیت‌گرایی سیاسی در جامعه می‌شود به این شکل که اعلام موافقت یا مخالفت با مسئله‌ای و رویدادهای سیاسی از سوی شهروندان در فضای مجازی، احساس خوب و مثبتی از توانایی سیاسی برای این فعالان مهیا می‌کند. چرا که شهروندان احساس می‌کنند آزادانه‌تر می‌توانند وارد عرصه‌ی سیاسی شوند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نظریه‌های ارتباطات سیاسی جذابیت‌های رسانه‌ای را افزایش می‌دهند، چرا که کارکرد رسانه‌ها به سیاست نزدیک است. امروزه این نزدیکی تا اندازه‌ای افزایش پیدا کرده که واحدهای مختلف این علم با کلمه‌های با پسوند "کراسی" می‌آیند و شاخه‌های درآمیخته‌ی آن با نام حکومت از طریق وسایل ارتباط جمعی به وجود آمده‌اند. هیچ سیاست و حکومتی بدون نظارت، کنترل و حمایت رسانه‌ها نمی‌تواند شکل بگیرد و استوار بماند. این عمل هم به جهت ارتباط نزدیکی است که وسایل ارتباط جمعی با افکار عمومی دارند. در واقع حکومت‌هایی که بر اساس دموکراسی عمل می‌نمایند، چون نیازمند آرای مردم هستند ناگزیرند با وسایل ارتباط جمعی، ارتباطی نزدیک و صمیمانه داشته باشند.

رسانه‌های عمومی، جدا از اینکه در فرایند ارتباطات و تبادل اطلاعات در جامعه و ملتها سهم هستند، می‌توانند با کارکرد خود در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی همسو با تحولات عمیق در نهادها، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تغییر عقاید و ارزشهای جامعه تأثیرگذار باشند و مثل دانشگاهی عمومی در جهت شکوفایی و اعتلای فرهنگی جامعه فعال باشند و هدایت‌گر توده‌های مردم و سیاستمداران برای رسیدن به جامعه‌ای سعادتمند و شایسته‌ی انسانیت باشند.

اطلاعات خود را منتشر نمایند و برای حضور و عمل سیاسی، دست به بسیج سیاسی بزنند، به‌ویژه اقلیت‌های ملی و مذهبی و ... می‌توانند با تأسیس تشکلهای اجتماعی مجازی،

تریبون جهانی برای خود پیدا کنند و از خود عکس‌العمل نشان دهند.

۴- بر ارتباط میان سازمانی احزاب و گروه‌ها تأثیرگذار است

ویژگی بارز تلویزیون این است که با تمرکز بر کادرهای مرکزی احزاب، اهمیت فعالیت‌های انتخاباتی منطقه‌ای را تقلیل می‌دهد. به این شکل که رده پایینی‌های احزاب و گروه‌ها در محدوده‌های جغرافیایی پیرامون و شهرستانها، فرصت چندانی برای اظهار نظر و تأثیرگذاری بر فرایند تصمیم‌گیری ندارند. در نهایت، همه‌ی مسائل در حزب متمرکز

تأثیرگذارترین تکنولوژی جدید ارتباطی در زمینه‌ی ارتباطات سیاسی است که حوزه‌های تأثیرگذاری آن بدین گونه است:

۱- اطلاعات و آگاهی شهروندان را افزایش می‌دهد

شهروندان با دست پیدا کردن به مجموعه‌های عظیم اطلاعات از طریق اینترنت می‌توانند فعالیت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی انجام بدهند و با گسترش راه‌های دریافت اطلاعات، تنها به اطلاعات رادیو و تلویزیون بسنده نکنند. در واقع شهروندان برای گزینش و انتخاب اطلاعات، به مخاطبی فعال تبدیل می‌شوند. از آنجا که تصمیم‌گیری‌های آگاهانه و عقلانی در گرو وجود اطلاعات گسترده و سنجش دقیق اوضاع سیاسی است، اینترنت با ایجاد و تسهیل اطلاعاتی، موجب

بر افکار عمومی، درست کردن ایدئولوژی و فرهنگ جوامع، تربیت شهروندانی منتقد و ایجاد همبستگی اجتماعی در جامعه است.

اینترنت و ارتباطات سیاسی

ارتباط سیاسی، انتقال اطلاعات سیاسی از بخشی از نظام سیاسی به بخشی دیگر و به میان نظام‌های سیاسی و اجتماعی است و در این میان، تکنولوژی‌های نوین ارتباطی تأثیرگذارترین و کاراترین راه‌های انتقال این اطلاعات هستند، اطلاعاتی که توان درک رویدادها و فرایند سیاسی و تصمیم‌گیری را برای در پیش گرفتن بهترین خط‌مشی سیاستگری و کارا بودن، محقق می‌سازند.

به باور بسیاری از اندیشمندان، حوزه‌ی جدیدی در دموکراسی ارتباطی - الکترونیکی به سبب تکنولوژی نوین اطلاعاتی به وجود





# رئیس جمهور کردستان



دولت جمهوری کردستان که با خواست و اراده اکثریت نخبگان و نمایندگان ملت کرد بنا به شرایط و موقعیت به وجود آمده، اعلام موجودیت کرد، از زیباترین جلوه‌های انقلاب سیاسی ملت کرد به شمار می‌آید. این اعلام موجودیت نیازمند مجموعه عوامل مهمی همچون پیش‌زمینه خواست ملت کرد، ناامیدی از دول حاکم مرکزگرا، نخبگان و روشنفکران، رهبری آگاه و کاریزماتیک، شرایط ویژه به وجود آمده از سوی نیروهای داخلی و ابرقدرت‌های آن دوران و ... بود.

لازم است هر کدام از فاکتورهای اساسی و مهم مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد تا بتوانیم تصویری واقعی از جمهوری کردستان مورد ارزیابی قرار دهیم و بحث‌های دیگر را به زمانهای بعدی موکول می‌کنیم.

نام رئیس جمهوری کردستان که بسیاری با نام‌های قاضی محمد و پیشوا از آن یاد می‌کنند، "محمد همام قاضی" بود. روانشناس "میرزا خلیل فتاح قاضی" که کتاب تاریخ خانواده "قاضی" از روی دست نوشته‌های او به چاپ رسیده است در این باره چنین می‌گوید: "مرحوم میرزا علی قاضی دو پسر داشت: ۱- میرزا محمد همام قاضی که بعداً به قاضی محمد مشهور شد. ۲- ابوالقاسم صدر قاضی." [۱] [۲] [۳]

پیشوای کردها، اولین فعالیت سیاسی خود را از زمانی شروع کرد که بنا به خواسته بسیاری از میهن‌دوستان و نخبگان کرد، موافقت نمود که رهبری جمعیت تجدید حیات کرد (کومله) زیانه‌وهی (کرد) را به عهده بگیرد. بعداً که حزب دمکرات کردستان بر پایه جمعیت تجدید حیات کرد و در سالروز تأسیس این جمعیت اعلام موجودیت نمود، به عنوان رهبر حزب برگزیده شد. [۴]

در فرصت و موقعیتی مناسب بعد از بررسی و سنجش همه جوانب و بنا به ضرورتی تاریخی این حزب به عنوان اولین حزب مدرن ملت کرد توانست با همکاری تمامی کردهای که زمینه مشارکت داشتند، تأسیس جمهوری کردستان را اعلام نمایند و جناب پیشوا که در آن دوران عالی‌ترین آثراتیو کردها بود، به عنوان رئیس جمهور برگزیده شد. پیشوای کردها از خانواده‌ای عالم، ثروتمند و محترم پرورش یافته بود ولی اینها علل اصلی برای انتخاب او به عنوان رهبر ملت کرد نبودند، بلکه شخصیت ویژه، ذکاوت و توان عالی او انگیزه‌های اصلی ملت بودند تا او را به عنوان رهبر خویش برگزینند.

یکی از وظایف رهبر آن است که به جامعه آگاهی ببخشد، روحیه بالایی داشته باشد و در پیشبرد برنامه‌هایش بر مشکلات قانع آید و در راستای تحقق منافع ملی گام بردارد. جناب پیشوا چنانچه اسناد جمهوری کردستان بر آن صحنه می‌گذراند، همیشه از طریق سخنرانی و برگزاری جلسات، تلاش می‌کرد جامعه را آگاه و هوشیار نماید. [۵] ایشان با ریزی و تحلیل دقیق اشخاص را برای اجرای نمودن برنامه‌هایش انتخاب می‌کرد که در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصاد و نظامی خود را نشان دادند.

رهبری موفق که در وضعیتی اسفناک و نامناسب تلاش می‌کند که کمترین آسیب و ضرری به جامعه نرسد. اکثر منابع و اسناد قابل دسترسی، این امر را تأیید می‌کنند که رئیس جمهور کردستان هنگامی که دیگر مجال تداوم حیات برای جمهوری کردستان باقی نماند، خود را فدای آحاد ملت کرد نمود [۶] و نپذیرفت که ملت باسختی مسئولیتی باشد که او پذیرفته بود. جناب پیشوا در آخرین گفتگوهایش با جناب زینال مصطفی بارزانی، زمانی که از او خواسته شده بود تا به همراه آنها برود، فرموده بودند: "بهر این است که در سرزمین اجدادی خویش، کشته شوم و مردم را در ناخوشی و سختی تنها نگذارم." [۷] رهبری موفق هر موقع که برای اتحاد می‌کوشد، به اهداف و منافع کلی ملتش باور دارد و در برابر مسئولیتی که بر عهده گرفته است، ایستاده و از زیر آن شانه خالی نمی‌کند. نطق‌های جناب پیشوا که بیشتر آنها در

روزنامه کردستان به چاپ رسیده‌اند، این موضوع را تأیید می‌نمایند که جناب پیشوا از هر فرصتی برای تحکیم اتحاد و سازش میان نیروهای کرد در تلاش بود.

رهبر لازم است که محبوب باشد و از منظر پایگاه اجتماعی و قدرت، خود را بر جامعه تحمیل نماید. بسیاری از شماره‌های روزنامه‌های کردستان در آن دوران، آینه‌ای هستند از علاقه و احترام ملت کرد نسبت به رئیس جمهور کردستان.

زمانی که به بررسی وضعیت آزادی‌بیان و مطبوعات در آن زمان می‌پردازیم، جای هیچ شکلی باقی نمی‌ماند که علاقه و احترام مردم به نسبت قاضی محمد نه از روی ترس، بلکه به خاطر رفتار و عملکرد دموکراتیک و شخصیت جناب "محمد همام قاضی" بوده که قدرت جمهوری را برای تحمیل عقاید و امیال خویش بر مردم به کار نبردند. جمهوری کردستان با هدف ایجاد ضمانتی برای دفاع از تقویت هویت ملی کرد و امنیت آنان اعلام شده بود، نه با هدف منفعت شخصی یا فردی. [۸] هنر رهبری جناب پیشوا نیز بیشتر آنجا متبلور می‌شد که رفتارش دربرگیرنده تمدن ملتش بود. قدرت ریاست جمهوری نه تنها برای تأمین نیازمندیهای او به وجود نیامده بود، بلکه از بسیاری جهات منافع خود و خانواده‌اش را نیز در خدمت منافع ملی قرار داده بود. علاوه بر آنکه اندیشه میهن‌دوستی رئیس جمهور مشوق او بود، تا در خدمت به ملتش گام بردارد، به علت این که بیشتر قاضی لایق و دادگری بود، توانسته بود در رعایت حقوق فرد در جامعه تأثیر بی‌سابقه‌ای داشته باشد.

بیشتر نطق‌های جناب پیشوا که در آن دوران ثبت شده‌اند، مؤید آنند که گفت‌مان ایشان بر پایه حقوق و دادگری و تأمین منافع عمومی شکل گرفته بود.

فراوند افرادی که در طول تاریخ کوشیدند با مدال و تاج و نشان‌های عجیب و غریب، خود را در پیشگاه جامعه برجسته و محبوب نشان دهند، ولی محبوبیت و احترامی که امروزه از سوی ملت کرد نسبت به جناب پیشوا ابراز داشته می‌شود، تنها به علت عدالت و از خودگذشتگی ایشان است.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که رئیس جمهور کردستان در آن دوران تصویری از اراده ملتش را نشان می‌داد و هم‌اکنون نیز از محبوب‌ترین

رهبران ملتش به شمار می‌آید. تصمیم نهایی جناب پیشوا که فداکردن خود در راه حفظ امنیت ملتش بود، بیانگر این واقعیت است که نزد او وظیفه و مسئولیت، بر منفعت شخصی و خودخواهی ارجحیت داشت. رهبری موفق که هر لحظه در مقابل تاریخ و ملت احساس مسئولیت می‌کند، به همین خاطر از هیچ‌گونه آسیب و عذاب شخصی نمی‌هراسد و فدا شدن در راستای مسئولیت را با جان و دل می‌پذیرد.

غیرت و شجاعت بایستی در گفت‌مان و رفتار یک رهبر وجود داشته باشد. این قدرت والای نگرش و اندیشه رهبر به همراه شیوه ابراز آن است که در پیشگاه ملت و تاریخ مورد سنجش قرار می‌گیرد. رهبر در بیان سخنانی که منافع کلی ملتش در آن به چشم بخورد، درنگ نمی‌کند. تمام اعمال و نطق‌های ثبت شده جناب پیشوا و تصمیماتش این واقعیت را اثبات می‌کنند که جناب پیشوای کردها، نه تنها عالم، محبوب و دلسوز بلکه رهبری شجاع بوده و در تصمیماتش، منافع ملتش را بالاتر از تمام نیروهای متخاصم و ابرقدرت‌های جهان قرار داد.

هدایت دولت جمهوری کردستان، نیازمند رهبری بود که هم عالمانه وضعیت و حوادث را تحلیل نماید، هم به دیسیپلین و قانون معتقد باشد و همزمان در شناخت افراد دور و بر خویش موفق باشد و بسیار واقع‌بینانه گام بردارد. اینها باید به نوعی در حکومتداری برنامه‌ریزی شده باشند که تعهد، علاقه، عدالت و عشق به ملت در آن مدنظر قرار گرفته باشند. آزمون پس دشوار که معدود رهبری در تاریخ توانسته است سرپلند همچون پیشوای کردها، "جناب قاضی محمد" از آن بیرون آید.

## مأخذ و منابع:

- [۱] خلیل فتاح قاضی، مختصری از تاریخ خانواده قاضی در ولایت موکریان، ترجمه حسن قاضی، اردیبهشت ۲۰۰۹، چاپ نخست، نشر آراس، صفحه ۹۰
- [۲] در مورخه دوم بهمن‌ماه سال ۲۰۱۲ میلادی، کمی سه نسخه از دست‌نوشته‌ها و امضاء واقعی جناب پیشوا را منتشر نمود و ثابت شد که تمام آن نامه‌های سیاسی که با نام رئیس جمهور کردستان منتشر شده‌اند،

ساختگی و جعلی بوده‌اند. رجوع شود به: سوران کرباسیان، جمهوری مستقل کردستان؛ بازگشت به واقعات، دوم بهمن‌ماه ۲۰۱۲ میلادی، اسلو، صفحات ۴۷ تا ۵۱

توجه: علاوه بر این نسخه، نسخه دیگری نیز به عنوان سند در دست می‌باشد که در آینده منتشر خواهد شد.

[۳] نامه دست‌نوشته‌ی میرزا "رحمان اویسی" از منبع قبلی نیز منتشر شده که همان اطلاعات موجود را تأیید می‌کند.

[۴] سوران کرباسیان، جمهوری مستقل کردستان، بازگشت به واقعات، دوم بهمن‌ماه ۲۰۱۲ میلادی، اسلو، صفحات ۱۲ تا ۱۴

[۵] رجوع شود به سخنان رئیس جمهور کردستان در شماره‌های مختلف کردستان، به عنوان مثال: روزنامه‌ی کردستان نشریه‌ی اندیشه‌ی حزب دمکرات کردستان، چاپ مه‌ماه، شماره ۱۱، سال اول، تاریخ ۱۹۴۶/۲/۶ میلادی، صفحه نخست

[۶] منابع برای اشاره در این زمینه فراوانند. به عنوان مثال توجه شود به این منابع:

خلیل فتاح قاضی، مختصری از تاریخ خانواده قاضی در ولایت موکریان، ترجمه حسن قاضی، اردیبهشت ۲۰۰۹، چاپ نخست، نشر آراس، صفحه ۱۵۱ و صفحات قبلی

حامد گوهری، جمعیت تجدید حیات کردستان، چاپ آراس، اردیبهشت، صفحه ۱۲۹

سند تاریخی با اهمیتی برای اثبات این اظهار نظر وجود دارد که نیازمند آن است که به عنوانی موضوعی مستقل مورد تحلیل قرار بگیرد. زمانی که حکومت شاهنشاهی به شهر تبریز حمله نمود تا حکومت آذربایجان را از بین ببرد، از هیچ جنایت و نقض حقوق بشری دریغ نکردند. صدها نفر از مردم بی‌گناه و بی‌سلاح را در تبریز کشتند. کتاب‌ها را سوزاندند و متأسفانه به زنان و دختران بی‌گناه نیز رحم نکردند و به آنها تجاوز جنسی کردند. بی‌گمان اگر پیشوا خود را فدای ملتش نمی‌کرد، فاجعه تبریز در کردستان نیز تکرار می‌شد. به گفته‌ی "دکتر جمال نهب‌ز"، پیشوای کردها چنانش را در راه اهداف و باورش فدا کرد.

[۷] رجوع شود به نخستین آدرس مورد اشاره قرار گرفته در منبع پیشین

[۸] رجوع شود به شماره‌های گوناگون روزنامه‌ی کردستان که مجموعه مقاله، شمار و نوشته در آن است که افراد متفاوتی محبوبیت جناب پیشوا را در جامعه بر سر زبان و کاغذ آورده بودند.

## روزنامه

### بحث "افغانستان آفریقا" در "اتاق بحث"

ترجمه: رضا فتح‌الله‌نژاد

روزنامه‌ی "نیویورک تایمز" در قسمتی از سایشش تحت عنوان "اتاق بحث"، هر بار یک موضوع روز را مطرح می‌کند و در آن زمینه، کارشناسان امور مربوطه به انتشار مقاله‌ها و نظریاتشان در آن قسمت می‌پردازند. این روزنامه، موضوع این بار خود را تحت عنوان "خطی جدید در منطقه‌ی شنی علیه تروریسم؟" به بحث پیرامون ظهور دوره‌ی نویسی از تروریسم و تقویت آن در آفریقای شمالی اختصاص داده است.

شورشیان اسلامگرا از مارس ۲۰۱۲ بدین سو شمال مالی را در کنترل دارند و فرانسه جهت جلوگیری از گسترش آنها به جنوب در تلاش است.

"نیویورک تایمز" در دیباچه‌ی بحث مذکور نوشته است: "دولت آفریقای شمالی مالی که منطقه‌ای لم‌بزرخ است، به نظر می‌رسد از نادر حکومت‌های قاره باشد که دمکراسی در آن استقرار یافته است، اما یک کودتا، روی آوردن شمار زیادی از نظامیان لیبیایی بعد از سقوط معمر قذافی و شورش شبه‌نظامیان به خوبی تجهیز شده از لحاظ مالی باعث شدند که اسلامگراها منطقه‌ی شمالی را کنترل کنند. حتی در زمانی که آنها با نیروهای فرانسوی که جنوب را حفظ کرده‌اند، مواجه شده‌اند، این پیش‌بینی ترس‌برانگیز مطرح است که پایگاه جدیدی برای تروریسم درست در جنوب صحرا تأسیس کنند. با توجه به اینکه گروه‌های اسلامگرا در مالی با شبه‌نظامیان لیبی، نیجریه، الجزایر و سایر مناطق در ارتباط هستند، این پرسش مطرح است که چگونه می‌توان از گسترش تروریسم در شمال آفریقا و تبدیل آن به افغانستان بعدی جلوگیری نمود؟

"جسی. پیتر فام"، مدیر مرکز Michael S. Ansar Africa در شورای آتلانتیک در این باره نظرات خود را در مقاله‌ای تحت عنوان "نقاط موازی در پیش از یک راه" نگاشته و در "نیویورک تایمز" منتشر نموده است. نویسنده در ابتدا می‌نویسد: "مقایسه‌ها در امور بین‌المللی این ترس از خطرات را دربر می‌گیرد، اما به هیچ وجه این رد نمی‌شود که نقاط موازی در میان وضعیت افغانستان در ماه‌ها و سالهای قبل از "سپتامبر و رویدادهای اخیر در مالی وجود دارد."

نویسنده سپس به طور مفصل نقاط مشابه را مورد بحث قرار داده و بدین اشاره می‌کند که آن منطقه از مالی که از مارس ۲۰۱۲ تحت سلطه‌ی کودتاچیان درآمد و در اختیار اسلامگراها قرار گرفته است، در حال حاضر به مکانی برای جذب تروریست‌های منطقه‌ی آفریقای شمالی و حتی اسلامگرایانی که از مناطق دیگر همچون آمریکا به جهادی‌ها می‌پیوندند، تبدیل شده است. او سپس به قوانین سختگیرانه‌ی اسلامی تحمیل شده در آن منطقه اشاره کرده و استدلال‌اتش را در این زمینه مستند می‌سازد. "پیتر فام" در نتیجه‌گیری با نام بردن از مالی به عنوان "افغانستان آفریقا"، بر این باور است: "متحدین فرانسه، از جمله باید بدانند که چگونه در آینده در برابر نیاز به کمک نظامی پاسخگو باشند."



## منکران ستم ملی، عصای دست دیکتاتور



نامه‌ی رسمی آموزش و پرورش مبنی بر ممنوعیت زبانهای محلی!!! در مدارس

حق طلب کردستان را "برادر کشی اندوهبار" می‌خوانند و تفاوتی میان دو طرف این جنگ قائل نیستند، این نکته را به خوبی می‌دانند که در دعوی بین ظالم و مظلوم، بی‌طرفی معنایی جز حمایت از ظالم نداشتند و آنان خواسته یا ناخواسته تبدیل به عصای بیری دیکتاتوری شده‌اند که برای نجات از سرنگونی محتوم خود، به هر خس و خاشاکی جنگ می‌زنند.

که زبان فارسی دیگر صرفاً آن عامل پیونددهنده‌ی داوطلبانه‌ی گذشته نیست، بلکه دارد به چماقی برای محو هویت انسان تبدیل می‌شود و بایستی برای احیا و بالندگی فرهنگ، هویت و زبان ملی خود (پیش از آن که از کار بگذرد) کاری کنند. واکنش‌های بعدی دولتهای مرکزی حاکم بر ایران و حلقه‌ی گفتمانی پیرامون آن، علیه روند هویت‌خواهی ملیتها و سرکوب بیرحمانه‌ی فعالان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آنان که در موافقی کار را به ژینوساید (کشتارهای دسته جمعی)، کوچ اجباری، ژینوساید سفید (ترویج مواد مخدر) و مصادیق متعددی از "جنایت علیه بشریت" رساند، نمونه‌های آنچنان واضیحی از ستم ملی هستند که نتوان به سادگی از کنار آنها گذشت و خود را از جنایات رژیم‌هایی همچون جمهوری اسلامی تبرئه نمود. انهایی که کشتارهای قارنی، قلاتان، ایندرفاش، صوفیان و دهها روستای دیگر کردستان، صدور بخشنامه‌های اداری مکرر در آموزش و پرورش مبنی بر ممنوعیت تکلم به زبانهای محلی!! در مدارس، تغییر نام‌های جغرافیایی بومی، به آتش کشیدن جنگلها و خشکاندن تالابها و دریاچه‌های کردستان، ممنوعیت نامهای اصیل کردی برای کودکان و اماکن عمومی و ... را حتی مصادیق ستم قومی هم نمی‌دانند، انهایی که جنگ ظالمانه و نابرابر چکمه‌پوشان ولایت قبیله با مردم

"اراده‌ی جمعی" برای "ملت شدن" در آنها تبلور یافته است. از این منظر، هر قومی می‌تواند ملت باشد و این به خواست خود اقوام بستگی دارد که بخواهند در همان محدوده‌ی "اتنیکی" خود باقی بمانند یا طی یک پوست‌اندازی و دگرذیبی سیاسی، فرایند "ملت شدن" را آغاز کنند. بنابراین، انکارکنندگان وجود ملیتها در ایران که غالباً به کسرت و تنوع قومی در ایران باور دارند، یا باید ناگزیر درهای قفس خود را محکمتر بسته و از بیخ و بن منکر وجود اقوام شوند (به عبارت دیگر، صورت مسأله را به کلی پاک کنند) و یا بپذیرند که یک گروه قومی در تعریف خود به عنوان یک قوم یا ملت، آزاد است و این خود افراد آن گروه جمعیتی هستند که اراده می‌کنند ملت باشند یا قوم. لذا هر گونه تلاش برای به زنجیر کشیدن یک گروه انسانی در حصار تعاریف سیاسی یک شبه روشنفکر بیرون گود نشسته، مصادیق گمگی است که "عرض خود می‌برد و زحمت ما می‌دارد".

انکارکنندگان ستم ملی، در محکم‌کاری تا بدانجا پیش رفته‌اند که اساساً وجود "ستم قومی" را هم منکر می‌شوند، به عنوان مثال، ادعا می‌کنند که زبان فارسی هرگز از سوی حکومتها بر مردم ایران تحمیل نشده، چون سلطنت در هزاره‌ی گذشته عمدتاً در دست ترک‌ها بوده است، نه فارسیها و با این حال در تمامی این سده‌ها، فارسی زبان مشترک اداری و ادبی ایرانیان بوده است. این تعمیم هدفدار و انحرافی نکته‌ای اساسی را فراموش کرده و آن این است که سرآغاز خیزش‌های ناسیونالیستی اقوام (به تعریف آنان) و بیداری ملی آنها علیه سلطه‌ی تمامیت‌خواهانه‌ی زبان، هویت و نمادهای فارسی، نه در دوران سلاطین ترک، بلکه دقیقاً از زمانی است که رضاشاه پهلوی پروژه "ملت‌سازی" خود را با سرکوب جنبش‌های "سسمکو" در کردستان و "خزعلی" در خوزستان آغاز نمود و سرتاسر ایران را آماج سیاست یکدست‌سازی زبانی، پوششی، رفتاری و هویتی خود قرار داد. لذا زمانی که پای عامل "تحلیل" به میان آمد، ملیتهای ایرانی رفته رفته احساس کردند

در تعریف فرانسوی - آمریکایی نیز تأکید ویژه‌ای بر عامل "اراده‌ی انسانی" و قرارداد سیاسی - اجتماعی میان اجتماع از شهروندان برای رقم زدن سرنوشتی مشترک به عمل آمده است.

این که در مواردی همانند زلزله، فجایع انسانی، موفقیتها و شکستهای ورزشی و ... نوعی روح همبستگی و اشتراک عاطفی بین مردم ایران به ظهور می‌رسد، به هیچ وجه نمی‌تواند گویای روح ملی مشترک و توجیه‌کننده‌ی استنتاجات سیاسی نادرست در این زمینه باشد، چرا که بارها مشاهده است که شهروندان یک کشور در این سوی جهان، در موفقیت یا شکست تیم فوتبال برزیل یا رئال مادرید اسپانیا، عواطف و احساساتی خالصانه ابراز نموده‌اند یا به خاطر کشتار دسته‌جمعی ملتی در آن سوی اقیانوس‌ها اشک ریخته و حتی برای کمک به آنان پیش قدم شده‌اند و تمامی این موارد نتوانسته است گویای روح ملی مشترک میان آنان باشد.

در رابطه با قرارداد اجتماعی نیز باید گفت، تاریخ ایران، به‌ویژه در دوران پس از مشروطیت و ظهور رضاشاه پهلوی، به یاد ندارد که ملیتهای ایران برای چند صباحی بر سرنوشت خویش حاکم شده و داوطلبانه به امضای یک قرارداد سیاسی - اجتماعی برای تشکیل واحد سیاسی مشترک اقدام نموده باشند. آنچه که تاریخ ایران در این چند دهه‌ی اخیر به یاد دارد، همواره دیکتاتوری سرکوبگری بوده که ملیتها را با چماق انکار، سرکوب، اسمیلاسیون و به جان هم انداختن، در قفسی مشترک به نام "ایران آریایی" یا "ایران اسلامی" محبوس نموده و هرگز کسی از این ملیتها نرسیده است که آیا از زندگی در این قفس، تحت شرایط موجود راضی هستند و اگر نیستند، چه سرنوشتی را برای خود در نظر گرفته‌اند؟

تعاریف مدرن از "ملت" نشان می‌دهد که مانع اساسی برای تبدیل یک قومیت (اتنیکی) به "ملت" وجود ندارد. در واقع، "ملت" در برگرنده‌ی افراد وابسته به یک "اتنیکی" است که به آگاهی سیاسی و خودباوری لازم برای تبدیل به "ملت" رسیده و

انکار "ستم ملی" به عنوان یک واقعیت حاکم بر مناسبات سیاسی میان مرکز و پیرامون در ایران، مهمترین دغدغه‌ی طرفداران گفتمان "یک ملت یک کشور" در حال حاضر است که می‌توان گفت به مهمترین مانع بر سر راه شکل‌گیری آلترناتیو دمکراتیک منسجم و در نتیجه، عامل تأخیر در رهایی ایران از جنگال دیکتاتوری سیاه آخوندی تبدیل شده است.

طرفداران این گفتمان که به درجات مختلفی از آشخور فکری "شونینسم عظمت‌طلب ایرانی" تغذیه می‌کنند، بر انکار ۲ نکته‌ی اساسی پای می‌فشارند و نقطه‌ی عزیمت آنها در مجادلات سیاسی و رسانه‌ای نیز انکار همین ۲ نکته است که ثبوت آن اینک برای هر ایرانی درس خوانده‌ای به سادگی میسر است و نفی آن تنها می‌تواند مصادیق "تجاهل العارفین" باشد.

این ۲ نکته عبارتند از: ۱- وجود ملیتهای مختلف در ایران و ۲- روا داشته شدن ستم بر آنها به طریقی سیستماتیک و هدفمند.

در رابطه با نکته‌ی نخست، استدلال آنها این است که بنابر تعاریف گوناگون موجود از واژه‌ی "ملت" که عمدتاً در ۲ دیدگاه "مکتب آلمانی" و "مکتب فرانسوی - آمریکایی" خلاصه شده است، ایران علیرغم تمامی تنوعات هویتی‌اش، در مجموع یک "کشور - ملت" تاریخی و غیر قابل تفکیک به اجزای ملی گوناگون است.

در پاسخ باید گفت که اگر تعریف آلمانی را در نظر بگیریم، ملیتهای گوناگون در ایران به سادگی قابل تفکیک و باز شناختن از یکدیگر هستند، به گونه‌ای که اشتراک در عواملی همچون تاریخ، زبان، سنن، اسطوره‌ها و سرزمین نیاکانی مشترک در میان دو فرد بلوچ از ایران و پاکستان به مراتب آشکارتر و عینی‌تر از مشترکات یک بلوچ ایرانی با یک ترک آذری یا کرد ایرانی است. به بیان ساده‌تر و طبق این تعریف، مشکل می‌توان یک ترکمن ایرانی را قانع نمود که ترکمنهای آن سوی مرز، ملتی بیگانه هستند، و او عضوی از ملتی است که یک فرد فارس یا عرب یا بلوچ ایرانی نیز هموندان آن تلقی می‌شود.

بیستم دی ماه، ۶۷ سال از عمر روزنامه "کردستان"، به وجود آورنده دژ آهنین اتحاد و همبستگی می‌گذرد. دژ آهنینی که سید محمد حمیدی، نخستین سردبیر روزنامه‌ی کردستان در اولین سرمقاله وزین نخستین شماره کردستان به آن اشاره نموده بود.

در این نوشته برآنیم برای درک اهداف روزنامه کردستان در عصر جمهوری کردستان، نظری بر سر مقاله نخستین شماره روزنامه کردستان به قلم سید محمد حمیدی و تحت عنوان "هدف ما" بیفکنیم.

محمد حمیدی می‌نویسد: "در دورانی که تمام ملت‌های جهان برای بقا، دستیابی به آزادی، رهایی و ... در تلاشند، هنگامی که تمام ملت‌های جهان غیر از رهایی، ترقی و تعالی کشورشان هدف دیگری ندارند و شبانه روز برای رسیدن به اهدافشان می‌کوشند، ما چه کار می‌کنیم و چه هدفی را تعقیب می‌کنیم؟"

بدون شک در آن دوران و قبل از تأسیس جمهوری کردستان، با توجه به بافت اجتماعی مردم کردستان و با نیشم نگاهی به خیزشها و تلاشهای سیاسی و منازعات میان کردها، به ویژه در کردستان ایران، به خوبی برابمان آشکار می‌شود که تا آن زمان در میان کردها و به ویژه در میان نخبگان و جنبشهای کرد، آنچه که غایب بود، فکر و اندیشه ملی‌گرایسی و تلاش برای تحقق منافع ملی بود.

این خلأ در آن دوران بایستی به نوعی پر می‌شد و بدون شک برای از میان برداشتن تفرقه و ایجاد اتحاد و همبستگی در بین کردها، وجود یک سازمان سیاسی، مترقی و مدرن ضرورتی اساسی بود تا بتواند بر اساس منافع ملی به نزار و تفرقه میان کردها پایان بخشد و کردها را برای تحقق هدفی بزرگتر متحد و سازماندهی کند.

از همین رو، محمد حمیدی در ادامه چنین می‌نویسد: "... پس از آن که با اشاره دشمنان این ملت و تحت عناوین منگور، مامش، زه رزا،

## "هدف ما"

### به مناسبت شصت و هفتمین سالروز انتشار اولین شماره روزنامه کردستان

و حزب دمکرات هم پیشاهنگ سازماندهی و متشکل نمودن کردها در کردستان ایران برای دستیابی به آرمانهای والای ملی است. به همین خاطر، رسالت روزنامه کردستان تلاش برای ایجاد اتحاد و همصدایی در میان کردها از آن دوران تاکنون است. در حقیقت این مسیر واقعی روزنامه‌ی کردستان می‌باشد. ۱۱۳ شماره از روزنامه‌ی کردستان در آن دوران، با اندیشه‌ها و ذوق و احساس نویسندگان و شاعران کرد طی آن سالها آراسته شده است. علاوه بر آن، نطفه‌های پیشوا و رویدادهای آن زمان در آن درج شده است. به همین خاطر کردستان در آن دوران توانست تمامی رویدادهای دوران طلایی جمهوری کوتاه عمر کردستان را برای نسلهای آینده ثبت کند.

بعد از ۶۷ سال، کردستان همچنان منتشر می‌شود و نشریه رسمی حزب دمکرات بوده و بر اساس همان مسیری که سید محمد حمیدی و رفقاییش پایه‌های آن را گذاشته بودند و آرزویشان بود، حرکت می‌کند آرزویی که حمیدی اینچنین درباره اش می‌نویسد: "امیدواریم درزی که درحال ساختن و محکم نمودن آن هستیم، چنان محکم و استوار باشد که هیچ نیرویی نتواند با آن به رقابت بپردازد."

بدون شک این دژ تاکنون نیز همچنان دژی نیرومند و استوار در میان کردها می‌باشد و دشمنان این سرزمین با تمام قوا کوشیده‌اند تا آن را از بین ببرند ولی هر روز این اندیشه بیشتر رشد می‌کند و گسترش می‌یابد، بدون شک روزنامه کردستان با گذشته زرین و با تداوم انتشار خود، نقش اساسی ایفا نموده است و رسالتی بزرگ بر عهده داشته و دارد.

سردبیر در اولین نوشته و اولین سرمقاله اش در روزنامه‌ی کردستان به آن اشاره می‌کند. بی‌گمان حزب دمکرات به عنوان سازمان یافته‌ترین حزب سیاسی کردی و جمهوری کردستان به عنوان اولین کپان سیاسی کردی تا آن هنگام، برای انتشار و پخش اندیشه و آرمانهایش نیازمند رسانه بود که روزنامه کردستان در کنار رادبو مسئولیت مهمی را بر دوش داشتند، به همین خاطر نویسنده متبخر روزنامه کردستان در ادامه چنین از این مسئولیت سخن می‌گوید: "... به کمک خداوند متعال روزنامه‌ی کردستان تأسیس و اولین شماره آن انتشار یافت. این روزنامه که توسط حزب دمکرات کردستان منتشر می‌شود، بر آن است که دژی آهنین از اتحاد و همبستگی به وجود آورد و پایه‌های آن را بر علم و هنر و تندرستی بنا نهد و بتواند با سیلاب تفرقه و ... مبارزه کند."

روزنامه‌ی کردستان نشریه حزب دمکرات دارای اهمیت والایی است. بدون شک حزب دمکرات از بدو تأسیس تاکنون خود را خدمتگزار مردم می‌داند و همیشه این مردم و ملت کرد بوده‌اند که در تمامی مراحل سخت و دشوار حامی و پشتیبان حزب محبوبشان بوده‌اند، به همین خاطر حمیدی در این زمینه چنین می‌نویسد: "برای ملت کار می‌کنیم و به زبان شیرین کردی می‌خوانیم، اخلاق نامناسب خود را به اخلاق خوب و پسندیده تغییر دادیم..."

در اینجا حمیدی با دقت و تأملی قابل توجه به اهمیت روزنامه کردستان و نقش روزنامه و رسانه می‌پردازد. بدون شک، نقش و تأثیر روزنامه و رسانه بر رفتار و اندیشه مردم و به طور کلی بر افکار عمومی مشهود و آشکار است. روزنامه نقشی اساسی در نهادینه کردن اندیشه‌های مدرن و تقویت و نیرومند کردن فرهنگ و حفاظت از آن و همچنین زنده نگه داشتن زبان و بالابردن سطح آگاهی جامعه ایفا می‌کند که

گه ورک، گلوخی و ... به جان و مال هم افتاده بودیم و خون همدیگر را می‌ریختیم و به خاطر منافع شخصی خویش، هیچ چیز دیگری را مد نظر قرار نمی‌دادیم و در حال ایجاد تفرقه و آشوب در میان یکدیگر بودیم و ... در آن زمان که ذلت و آوارگی به آخرین حد خود رسیده بود... ما از زنجیر اسارت رهایی یافتیم، دستهای به غل کشیده مان باز شد، چشمان خواب‌لودمان بیدار شد. جمعی از جوانان کردستان دور هم گرد آمدند، پیمان اتحاد و برادری با هم بستند و بدون وقفه کوشیدند تا حزب دمکرات کردستان را تأسیس نمایند ..."

در صفحه نخست روزنامه کردستان نوشته شده بود: "نشریه اندیشه حزب دمکرات کردستان". به همین خاطر حمیدی اینچنین از اهمیت تولد حزب دمکرات سخن می‌گوید و بدون شک نقش حزب دمکرات به عنوان عامل اساسی انتشار اندیشه و گفتمان حزب دمکرات



# مدارس ایران در حصار ارتجاع

حسن صالح زاده  
ترجمه: سلام اسماعیل پور

اگر واقعیت امروز جامعه ایران را از لحاظ سیاسی مرور کنیم، سرکوب، خفقان و سانسور سایه ی سیاه خود را بر تمامی جوانب و ابعاد آن گسترانده است. نظام حکومتی ایران که با شرایطی فوق العاده حساس و بحرانی در تمامی ابعاد دست و پنجه نرم می کند، تشکل ها و کانونهای مدنی را تحت نظارت شدید قرار داده و با هرگونه اعتراضی سریعاً و آناً برخورد می کند تا از یک سوزاز سازمان یابی و اتحاد در صفوف مردم جلوگیری کند و از سوی دیگر تهدیدات را از خود دور کند.

بدیهی است که این تلاش ها امری گذرا بوده و نه تنها بیانگر توانمندی حکومت نیست، بلکه بر عکس، حاکی از اوج زبونی و وحشت زورمداران است. آنها که توانایی و ظرفیتهای جامعه ی تحت سلطه ی خویش را برآورده کرده اند، نیک آگاهند که گسترش اعتراضات عمومی، رویاهای افسون کننده ی آنان را نقش بر آب خواهد نمود. جامعه ی ما از لحاظ اقتصادی نیز از وضعیت امیدوارکننده ای برخوردار نیست و روزی نیست که خبری از تعطیلی کارخانه جات و مراکز صنعتی منتشر نشود و شماری از کارگران از کارهایشان اخراج نشوند یا پرداخت دستمزد بخصور و نمیر کارمندان به تعویق نیافتد.

آنزوی روز افزون رژیم جمهوری اسلامی ایران در جامعه ی بین المللی و تحمیل موج جدیدی از فشار تحریم های اقتصادی بر آن، موجد پدیده های نامطلوب اجتماعی عدیده ای بوده است، از جمله، اینکه میلیونها کودک به جای آنکه راه مدرسه و تحصیل علم را در پیش گیرند، ناگزیرترک تحصیل نموده و راهی خیابان ها و روی آوردن به شغل های نامناسب رادر پیش گرفته اند.

بر اساس آمارهای رسمی مراکز حکومتی در سال ۱۳۸۵ شمار دانش آموزان ۱۵ میلیون نفر بوده که این تعداد در سال ۱۳۹۱ به ۱۱ میلیون نفر کاهش یافت. اگر مسایلی همچون کنترل خانواده یا قاعده ی افزایش جمعیت را در نظر بگیریم، بیش از ۴ میلیون دانش آموز دست از تحصیل کشیده اند.

همچنین سالانه شمار زیادی از دانش آموزان پیش از رسیدن به مقطع دبیرستان، ترک تحصیل نموده و به بازار کار نامناسب روی می آورند و مورد سوء استفاده قرار می گیرند از سوی دیگر، اکثر مدارس ایران به ویژه در شهرها و روستاهای دوردست، نیازمندی به تعمیر و نوسازی دارد. جالب آنکه، مقامات بلندپایه ی نظام آموزش و پرورش اطلاع کاملی از وضعیت این مدارس ندارند، آنان به منظور فریب افکار عمومی، این مشکلات را به مجلس فرمایشی کشانده و حتی از راههای قانونی برای اختصاص بودجه ی لازم، سخن به میالو آوردند.

اما در عمل، دولت صرفاً ثلث مبلغ تعیین شده را پرداخت نموده است. این در حالیست که امروزه همگان بر این امر واقف هستند که سیستمهای گرمایشی و سرمایشی مدارس و بی توجهی به امنیت جانی کودکان بیچاره ی ما از جانب نهادهای آموزشی، در دنیا منعکس گردیده است.

یکی دیگر از مسایلی آموزشی کنونی ما اهمیت دادن به سلامتی و بهداشت در مدارس است. مدرسه به عنوان ساختار اجتماعی برای یادگیری، سالهایی طولانی از حساس ترین عمر دانش آموزان و معلمان را در بر می گیرد، به همین دلیل بایستی وزارت آموزش و پرورش در قبال سلامتی دانش آموزان مسئول بوده و فضایی را فراهم آورد که در آن، دانش آموزان احساس آرامش نموده و در تمامی زمینه ها رشد نمایند. به باور کارشناسان بهداشتی، بیماری روحی یا جسمی دانش آموزان، صرفاً تهدیدی برای شخص آنان نیست، بلکه آینده ی جامعه را نیز مورد تهدید قرار خواهد داد. از همین رو، تندرستی دانش آموزان و شرایط مساعد مدارس، ضامن سلامت جامعه است. بنابراین، تداوم سیاست سرکوب گرانه ی حکومت و به فراموش سپردن سایر ابعاد



اسلامی مدارس را تبدیل به پایگاهی نظامی برای تحقق آرمانهای تاریک اندیشانه ی خود نموده و تهدید جدی علیه دانش آموزان و معلمان آغاز نموده است. در نتیجه ی این هجوم نابرابر، فرهنگیان و متولیان دلسوز عرصه ی آموزش و پرورش در تنگنا قرار گرفته و روند عادی کار آنان مختل شده است. آنان به جای آرامش، امنیت و تلاش برای رشد آگاهی، اندیشه و عقلانیت واضطراب و دلهره ای همیشگی دست به گریبان هستند.

رژیم ناقض حقوق و آزادیهای مردم ایران، هرگز بودجه ی هنگوفتی را به نیروهای مزدور خود در مراکز گوناگون آموزشی اختصاص می دهد، در عرصه ی تولید حرفه ای و علمی خرج نمی کند. این سیاست از بالاترین نظام قدرت سرچشمه گرفته و از سوی رهبری، دولت و مجلس رژیم عامدانه ترویج می گردد تا بتوانند اهداف خود را به سادگی محقق سازند و در نتیجه، دوران زمامداری نا مشروع خود را طولانی تر نمایند.

مدارس خصوصی و واگذاری مسئولیت تعداد زیادی از مدارس به حوزه ی علمیه، بیانگر ایجاد بازاری اقتصادی و تجاری برای شماری مقامات رده بالای آموزش و پرورش است که در سایه آن به نان و نوایی رسیده اند. همچنین برخی از کانونهای قدرتمند اقتصادی از قبیل "کانون قلم چی"، "آزمون های گاج"، "علوی" و... که در سرتاسر ایران و به طرز گسترده ای تحت عنوان تسهیل کنکور سراسری دانشگاه ها فعالیت دارند و درآمدی سرسام آور اقتصادی اندوخته اند، تحت سلطه ی باندی از مقامات وزارت آموزش و پرورش قرار دارند. لازم به ذکر است که این مساله یکی از محدودیت ها بر سر راه حذف کنکور سراسری است که اختلافاتی مین مسئولان برانگیخته است.

جمهوری اسلامی ایران ۳۳ سال است که برای اسلامی کردن جامعه به شیوه ی دلخواه خویش در تلاش است و این روند تا کنون حریم خانواده و آزادی فردی را نیز محترم شمرده است. واقعیت امکان ناپذیر آن است که این باند اقتدارگرا در راستای اهداف و مقاصد سیاسی خویش، موفقیتی به دست نیاورده اند.

پس از گذشت سه دهه، با زندگی آنان در اقداماتشان و آغاز موج تازه ی حملات ارتجاعی تحت عنوان "مقابله با تهاجم فرهنگی بگنگان" این واقعیت را به اثبات می رساند.

جامعه ی ما از لحاظ اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، جامع ای پویاست و می تواند ایستند تحولات آتی باشد. از همین رو طبیعی است که مراکز تحصیلی از مدارس تا دانشگاهها، به عنوان مراکز یادگیری علم و هنر از این تحولات جانمانده و امواج تغییر، را نیز در برگیرد.

امروز در حالی که شهروندان آگاه و آزادی خواه جامعه ی ما به روش های گوناگون و تا آنجا که در توان دارند، در برابر فشارهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی رژیم واکنش نشان داده اند تا ثابت کنند نگران وضعیت وخیم و سرنوشت مهم فرزندان خویش هستند. توده های مردم ازادخواه کردستان به افق هایی چشم دوخته اند که در آنها پایان عمر پدیده های ارتجاعی و نا عادلانه دیده می شود.

در این میان، وظیفه ی تمام اقشار، طبقات و بخش های جامعه، گرفتن موضعی مناسب در این رابطه است.

وظیفه ی مهمی همگی ما این است که از حقوق حقه ی کودکان، چه در جامعه و چه در مدارس دفاع کنیم و اجازه ندهیم که نسل های آینده ی ما در معرض تهدید یکی از دیکتاتورهای جهل اندیش قرار گیرند و قربانی سیاستی شوند که جامعه ی آینده از عهده پرداخت هزینه های آن برنایند.

دین اسلام وانسانیت ندارند.

سؤالی که اینجا پیش می آید، این است که آیا مقامات رسمی حکومت، به صورت جدی در اندیشه ی حل مشکلات اساسی وزارت آموزش و پرورش هستند که در بالا بدانها اشاره شد؟ متأسفانه، همچنان که از برنامه های نظام آموزشی کنونی ایران بیادست، پاسخ این سؤال منفی است و اهداف پلید دیگری در مدارس پیگیری می شوند.

آنچه در اینجا ضروری می نماید، احساس مسئولیت مقامات بلند پایه ی نظام آموزشی ایران برای حل مشکلات جدی پیش روی آموزش و پرورش است، اما برخورد سیستم آموزشی، خلاف این ضرورت را نشان می دهد. پروژه هایی از قبیل میلیتاریزه کردن مدارس با القای ارتجاعی دانش آموزان و معلمان فراتر از تمامی این اهداف نشان داده می شود. گفتنی است که روند منحرف ساختن اذهان عمومی به طور کلی و به ویژه مراکز آموزشی، از بو به روی کار آمدن حکومت اسلامی آغاز گردیده و تازگی ندارد.

اماسؤال اینجااست که چه عواملی باعث شده اند که تهاجم ایدئولوژیک جدید حکومت علیه مدارس یک بار دیگر تشدید شود؟ وزیر آموزش و پرورش پس از امضای "سند تغییرات اساسی آموزش و پرورش" به فرمان رئیس جمهور، خواستار حضور بیش از پیش نیروهای بسیج در مدارس گردید و در ادامه شدیدا به انتقاد از سهل انگاری هایی پرداخت که باعث شده است تادشمن در چند سال اخیر، فرصتها استفاده کند. به عقیده ی آنان، برای ترویج فرهنگ، هیچ جایی برای فضای آموزشی نیست و برای طولانی تر کردن زمامداری شان هیچ چیط به اندازه آموزش ارزشمند نیست.

در راستای همین فرایند شوم، اجرای طرح هایی همچون "طرح بصیرت"، "الترام به ولایت" و "تربیت سیاسی" معلمان مطرح گردیده و اعزام هزاران آخوند به مراکز تحصیلی را در پی داشت که سردمداران رژیم از آنان به عنوان "افسران جنگ نرم" یاد کردند.

بدین ترتیب، ملاحظه می شود که جمهوری

تحصیل به شمار می رود.

بر اساس تحقیقات موجود، ۵/۵ میلیارد نفر از جمعیت جهان، یعنی ۸۳ درصد از آنان به زبان مادری خود تحصیل می کنند و فقط ۱۷ درصد از آنان از حق تحصیل به زبان مادری محرومند. این محدودیت به دلیل کشورهایی است که نظام های سیاسی توتالیتر یا وابسگرا بر آنها حکمفرما بوده و ساختار و بافت آنها متشکل از چند نژاد است که در آن یک نژاد به گون ای نژاد پرستانه قدرت را قبضه نموده است. بر اساس آمارهای موقت، ۲ ثلث از جمعیت ایران یعنی ۶۷ درصد، در مناطق آذربایجان، کردستان، بلوچستان و... زندگی می کنند و در نتیجه حاکمیت تمامیت خواهانه ی آخوندها، حق آنان برای تحصیل به زبان مادری نقض شده است.

بر طبق آمار و گزارش ها، دانش آموزانی که زبان آموزش و یادگیری آنان با زبان مادریشان یکی است، کمتر از تحصیل بازمانده اند و رشد علمی آنان در مقایسه با سایرین در سطحی بالاتر قرار دارد. یعنی این میزان در مقایسه با دانش آموزانی که زبان تحصیلی آنان با زبان مادریشان یکی نیست، بسیار بیشتر بوده و تا ۹ درصد تخمین زده می شود. اکثر کارشناسان امر آموزش و پرورش یس این باورند که هر کسی دست کم در ۵ سال ابتدایی یادگیری، بایستی به زبان مادری تحصیل کند تا دانش آموز به سهولت بتواند با معلم و محیط پیرامونش ارتباط عاطفی برقرار نموده و نهایتاً از لحاظ فکری رشد نماید.

تفاوت چشمگیر دیگر در نظام آموزشی ایران، مساله ی جنسیتی در مدارس است که باعث افزایش وحشتناک ناهنجاری های اجتماعی به ویژه در میان دختران شده است.

مرتجعین به بهانه ی پاسداشت حدود شرعی و مذهبی، تحت نوای "حلال و حرام" اهداف ویژه ای را تعقیب می کنند. زمامداران ایران با پافشاری بر سیاست تبعیض جنسیتی از سویی می خواهند چهره ای مقدس مایانه و معصومانه به خود داده و از سوی دیگر، از سازمان یابی زنان مردان در میدان مبارزه با دیکتاتوری جلوگیری نماید، وگرنه همگان به خوبی می دانند و تجربه نشان داده است که مقامات رژیم اعتقاد چندانی به مبانی

مهم عرصه ی آموزش، حسارات جبران ناپذیری به جامعه ی ما وارد خواهد آورد.

کودک در سن ۵-۶ سالگی به مدرسه می رود و مراحل رشد فیزیکی، فکری، روانی و عاطفی خویش را در مدرسه سپری می کند. دانش آموزان در مدرسه، درس ها را فرا می گیرند و به خانه منتقل می دهند. بنابراین، چنین امری می تواند پیامدهای منفی یا مثبتی برای خانواده به دنبال داشته باشد. از این روست که نگاه رژیم های فاسد و مافیایی جهان به نظام آموزشی، مبتنی بر تحمیل ایدئولوژی ارتجاعی و ضد بشری است.

مساله ی شناخت جامعه ی ایران به عنوان کشوری المم و تأمین نیازها و ضرورت های هر کدام از این ملیتها بر اساس خواست و علاقه ی خود آنان، مشکل پنیادی دیگری است که بایستی به صورت جدی موردعلاقه قرار گیرد. وزارت آموزش و پرورش موظف است که مطیع خواست های واقعی توده های مردم باشد.

نظام آموزشی باید از این سطح عقلانیت برخوردار شود که به رسمیت شناختن تمایزات فرهنگی میان ملیتهای ایران را به عنوان ابتدایی ترین حق مشروع انسان مورد بحث قرار داده و گام های عملی برای پاسخ به خواستها و مطالب آنان بردارد. امروزه در مدارس ایران برخلاف تمامی اصول اخلاقی و راهکارهای دمکراتیک و امروزی، میلیونها کودک در حالی به تحصیل ادامه می دهند که ناچارند به زبانی غیر از زبان مادری خویش درس بخوانند. این کودکان علاوه بر اینکه از حق مشروع تحصیل به زبان مادری محروم شده اند، در درسهای جغرافیا، تاریخ، فرهنگ و هنر آنان نیز تحریفهایی صورت گرفته که

آنان را دچار سردرگمی نموده است. پیامدهای این تبعیض ضد انسانی برای همیشه همراه این افراد خواهد ماند. به عنوان مثال، در رویارویی با مشکلات، دچار شک شده و مشکلات روحی روانی گریبان گیر آنان می شود. نقض حق تحصیل به زبان مادری همچنین از سوی، تأثیر مستقیمی بر تحصیلی کودکان داشته و از سوی دیگر، تبدیل به مانعی بر سر راه رشد و نوسازی شده و یکی از عوامل اصلی ترک

در راستای همکاری بیشتر نیروهای دمکرات و مترقی ایران بکوشیم



## کابوس کاغذپاره‌ها و یاوه‌گوییهای پینوکیو

فاتح صالحی

کاغذپاره در ادبیات سیاسی مسئولان حکومت اسلامی ایران، اشاره‌ای است به ناکارآمدی و بی‌محتوا بودن قطعنامه‌ها و تحریم‌هایی که به سبب بلندپروازی‌های رژیم تصویب شده است و اکنون نه تنها گریبان مردم به‌سستوه آمده ایران را گرفته، بلکه مسئولان رژیم را نیز در مرداب جهالت خویش گرفتار کرده است.

اکنون پس از نمایان شدن تأثیرگذاری تحریم‌ها بر بخشهای مختلف کشور ایران و دستگاہ‌های اجرایی رژیم و زندگی روزمره مردم، برای همگان نمایان شده است که آن کاغذپاره‌ها که به شکل مستمر مسئولان حکومت اسلامی ایران در رسانه‌ها و مطبوعات خویش از آن بحث می‌کردند، چگونه کاربدستان رژیم را دچار سردرگمی و زندگی روزمره مردم عادی را دچار مشکلات و موانع اساسی کرده است.

این مسئله زمانی به درستی عیان می‌شود که سوی پیشبینی‌های کارشناسان اقتصادی در گذشته درباره‌ی تأثیرات تحریم‌ها، اکنون مسئولان بلندپایه رژیم هم نمی‌توانند از تأثیرگذاری تحریم‌ها در محافل مختلف و تریبون‌های رسمی خویش سخنی به میان بیاورند. در این رابطه یکدیگر و طرفهای درگیر رژیم را پیرامون این بحران همه‌گیر به ناکارآمدی متهم می‌کنند و این تحریم‌ها را ددمنشانه و وحشیانه قلمداد می‌کنند.

اما از همه جالبتر یاوه‌گوییهای اخیر محمود احمدی‌نژاد، بی‌تقاربتین عروسک رژیم جمهوری اسلامی است که علنا از تأثیرگذاری تحریم‌ها و راههای برون رفت از این بحران سخن پرانی می‌کند. راه‌حلهایی که سبب تعجب هر انسان عادی می‌شود و به غیر از تمسخر و خنده چیز دیگری از آن نمی‌تراود. رئیس‌جمهور ایران در یکی از آخرین سخنرانی‌های خود، اظهار می‌کند: "باید برای قطع هزینه‌های دولت به درآمدهای نفتی یکباره تصمیم بگیریم و این کار را تمام کنیم. فشار می‌آید، معلوم است که فشار می‌آید، درآمدی که ۱۰۰ سال از نفت تغذیه کرده، بخواهیم یک دفعه آنرا قطع کنیم فشار می‌آید!"

سیس بعد از پیشنهاد کردن این راه حل بی‌سابقه برای آنکه مخالفانش بر وی نتازند از بدیل قطع درآمدهای نفتی هم بحث می‌کند و می‌گوید: "اگر ۱۴ میلیون (هکتار) جنگل‌های ایران در اختیار دامداران قرار گیرد، ۱۴ هزار موقعیت شغلی ایجاد می‌شود." و بدینگونه به خیال رئیس‌جمهور، قفسر و فلاکت و گرانی و بیکاری به اتمام می‌رسد و بمب اتمی تحریم‌ها خنثی می‌شود. نامبرده همچنین خواهان آن شده است که درختهای بلوط جنگل‌ها همگی قطع شوند و به جای آنها علوفه کشت شود. تا مردم به جای پروتئین و گوشت و پول نفت، تنها و تنها سبزی را به سر سفره‌ی خالی خویش ببرند.

اینها و دهها یاوه‌گویی دیگر و راه‌حلهای عجیب و غریب مسئولان حکومت اسلامی ایران برای دور زدن تحریم‌ها، همگی به نوعی فرجام کابوس کاغذپاره‌ها هستند که تصور می‌شود در آینده‌ای نه چندان دور در زیر آوار آن مدفون شوند.

## جایزه سالیانه "ماملی" به هنرمند کرد "عزیز شاهرخ" تعلق گرفت

نماید. هنرمند "عزیز شاهرخ" سال ۱۳۱۷ در شهر مهاباد متولد شد و هم اکنون نیز در این شهر زندگی می‌کند. ایشان علاوه بر هنر خوانندگی، دارای جایگاه ویژه ای است و به عنوان استاد "مقام" کردی، با اجرای مقام و ترانه های هنرمندان بزرگ کرد همچون کاویس آغسا، سید علی اصغر کردستانی، طاهر توفیق، حسن جززروی و محمد عارف جززروی نقش مهمی در تجدید حیات ترانه های آنان و معرفی هر چه بیشتر آنها به نسل جدید، داشته است.



عرصه فعالیت گذاشته است که با اهدای این جوایز از کردهایی که از طریق هنر به ملت و سرزمین خویش خدمت نموده اند، تجلیل و تقدیر

به صورت رسمی کار خود را آغاز نمود. اندیشه تأسیس این کانون بر پایه تفکری ملی بوده و با این هدف پا به

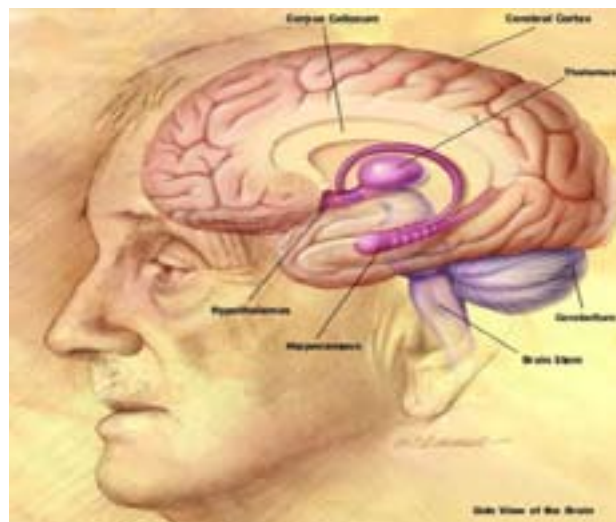
به صورت رسمی کار خود را آغاز نمود. اندیشه تأسیس این کانون بر پایه تفکری ملی بوده و با این هدف پا به

جایزه سالیانه "کانون هنری ماملی" برای سال ۲۰۱۲ به استاد "عزیز شاهرخ" هنرمند شهیر کرد اهدا شد. کانون هنری ماملی، سالانه با هدف تجلیل از هنرمندان کرد، هنرمندی را انتخاب و جایزه این کانون را به او اهدا می‌کند. در سال ۲۰۱۲ استاد عزیز شاهرخ، هنرمند نامدار کرد برای دریافت این جایزه انتخاب شد.

تاکنون جایزه کانون هنری ماملی، به استاد "پاکوری" هنرمند کرد کردستان ترکیه، نوازنده معروف شمشال "قاله مه ره" و استاد "عباس کمندی" اهدا شده است. کانون هنری ماملی در سال ۱۳۸۷

## تورج اصلانی جایزه انجمن منتقدان سینمای ایران را کسب کرد

## یادگیری بیش از یک زبان بر مغز تأثیرگذار است



در مدرسه ای وابسته به دانشگاه پنسیلوانیا انجام گرفت، کمک نمود.

به طور کلی در آزمایشهای مرتبط با توانایی حافظه مشخص شد که در بین کسانی که به یک زبان صحبت می‌کنند و آتانی که به دو زبان صحبت می‌کنند، تفاوتی وجود دارد.

نتایج نورهای مغناطیسی مغز شرکت کنندگان، آشکار کرد که افراد مسن تر، آنهایی که با بیش از یک زبان آشنایی دارند، از توانایی تغییر احساسات و پاسخگویی سؤالات، سریعتر است.

پژوهشی تازه که شماری دانشمند مغز آن را انجام داده اند، آشکار نمود، افرادی که به بیش از یک زبان سخن می‌گویند، زمانی که به سنین پیری می‌رسند، قادرند بیش از دیگران از تواناییهای عقلی خود محافظت کنند.

پژوهشگران برای پی بردن به سرمایه ی زبانشناسی و مدت تکرار آن، آزمایشی را بر روی ۱۱۰ نفر انجام دادند. این عده به ویژه از افرادی بودند که به دو زبان متفاوت در روز صحبت می‌کنند.

زبان افراد مورد آزمایش قرار گرفته یکسان بود و این به تأیید داده های پژوهش که

آسیایی" در کشور استرالیا و همچنین "قورباغه برنزی" بهترین عکاس بیستمین دوره فستیوال حرفه ای عکاسان سینما با عنوان فستیوال بین المللی "پلوس کامیرا ایماژ" لهستان را به دست آورد، وی چند روز قبل با فیلم سینمایی "کولی گریان" به کارگردانی سینماگر جوان ایران، رضا دورمیشیان، جایزه دیپلم افتخار ششمین جشنواره انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران را کسب کرد.

تورج اصلانی، عکاس کرد با فیلم سینمایی "کولی گریان" جایزه دیپلم افتخار ششمین جشنواره انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران را کسب کرد.

اصلانی دو ماه قبل با فیلم سینمایی " فصل کرگدن" به کارگردانی سینما گر مشهور کرد بهمن قبادی، جایزه بهترین عکاس بخش اصلی شصتمین دوره فستیوال بین المللی فیلم "سن سباستین" اسپانیا، جایزه بهترین فیلم ششمین دوره مراسم جایزه اسکرین "آسیا پاسیفیک (APSA)

مشهور به "اسکار"

